

از عمارت دولتی قبل از نیمه شب در تحت حفاظت يك صد و پنجاه سوار که اکثر آنها از قزاقان و سواره منظم شاهسون بودند حرکت نمودند. شش نفر قشقایی هم که در موقع حبس مأمور حفظ آنها بودند همراهشان رفتند. قریب مسافت شش میل خارج از شیراز قسمت بزرگی از مستحفظین مراجعت نموده فقط قریب پنجاه نفر که شش نفر قشقایی هم جزو ایشان بودند به همراهی آنها رفتند. از این نقطه راه خیلی ناهموار و ناصاف است و قوام الملك که در این موقع کاملاً سوءظن پیدا نموده بود قاطر سواری خود را با اسب خوبی که یکی از نوکرهایش سوار بود عوض کرده و از جاده خارج شده به اتفاق چهار نفر از همراهان خود و چهار قزاق دنباله رشته کوهها و تپهها را گرفته رفت و در این قسمت راه در هر لحظه انتظار آن می رفت که دشمنان او در کمین او باشند. نصرالدوله که یا کمتر سوءظن داشت و یا بیشتر مطیع و منقاد بود سوار قاطر خود از راه معمولی می رفت. گاهگاه دسته های بزرگ قشقاییان دیده می شدند در همان خطی که اینها سیر می نمودند در حرکت بوده و همینکه به مسافت دو میل به خانه زینان [= خان زینان] مانده از زمین رودخانه می گذشتند قوام الملك دید شش نفر قشقاییهایی که همراهشان آمده بودند نزدیک ساحل رودخانه به يك دسته از ایلات کشکولی متعلق به قبیله محمد کریم خان قشقایی وکیل مجلس که پسرش هم حضور داشت ملحق گردیدند. قوام که قریب نصف میل جلو برادرش رفته بود از يك رشته کوهی که در میان واقع بود می گذشت که صدای خالی شدن گلوله های شنیده متعاقب آن فوراً دو سه نفر دیگر شلیک کردند. او سواره به بالای آن رشته کوه آمده و چون نصرالدوله را مرده و راه مراجعت را مسدود یافت با هشت نفری که همراه خود داشت به طرف کاروانسرا تاخت نموده و اول قصدش این بود از خود در آنجا دفاع نماید. بالاخره چون راه چاره برای خود نیافت بطرف شمال منعطف گردیده به قصد آنکه خود را به یکی از دهاتش رسانیده از آنجا عده کافی برای حفظ خود همراه برداشته به قبایل عرب برسد ولی بزودی بر وی معلوم گردید که تمام راهها مسدود بود و لذا شب را در میان بعضی از رعایا بسر برده روز بعد قریب هشتاد میل مسافت را طی نموده به اتفاق ده دوازده نفر سوار از دروازه نزدیک خانه خود به شیراز سالمآ ورود نموده از آنجا پیغامی برای فرمانفرما فرستاد به این مضمون که هرگاه وسایل بست در قنسولگری اعلیحضرتی برای او فراهم نیآورد خود و همراهانش حاضر خواهند شد که به قوه قهریه از خویش دفاع نمایند و خود او تبدیل لباس نموده نیم تنه اروپایی در بر و کلاه فرنگی بر سر گذارده باتفاق دکتر وولات در حین ورود او برای معالجه دختر نصرالدوله رفته بود حرکت نموده و قبل از غروب به اینجا رسید.

این تفصیلی است که خود قوام الملك مذکور داشته و بطور عموم با تمام تفصیلات دیگری که توانسته ام بدست آورم مطابق می باشد.

من شخصاً متمایل به این عقیده می باشم که حمله ای که صورت وقوع پیدا نمود از محلی تحریک نشده و يك اقدام بدون مقدمه ای است که از طرف دسته ای از ایلات پرشور بوقوع رسیده.

در میان مردم اینطور صحبت است که استخلاص قوام به واسطه نسبتی است که با صولت الدوله دارد ولی بنظر من هیچ احتمال نمی رود که چنین ملاحظه ای رئیس قشقایی را از خطرات حقیقی باقی گذاردن یکی از اخوان او اغفال نماید.

بعلاوه چند ساعت پس از قتل اخبار موثق از طرف دو غلام اداره تلگراف هند و انگلیس بمن تلفون شد به این مضمون که متجاوز از ششصد نفر از ایلات قشقایی طرفین جاده به مسافت چهار میلی خانه زنیان در همان نقطه که در سال ۱۹۰۹ بر جنرال قنسول روس حمله شد در کمین نشسته اند.

اول خبری که به شیراز رسید بعد از ظهر بود.

پس از آنکه توانستم به صحت این خبر پی برم از فرمانفرما ملاقات نمودم و قبل از ملاقات به رئیس اداره تلگراف سپردم که تلگرافات راجع به این قتل را راپورت ندهد تا آنکه من اظهارات فرمانفرما را خبر دهم.

از ملاقات من ثمری حاصل نشد. نظام السلطنه که خیلی مضطرب بود اول اظهار داشت که این حمله یحتمل کار عربها است که برای استخلاص قوامیها کرده اند. من در جواب اظهار داشتم که تصور حضور ایلات عرب در وسط دره که آنوقت از پانزده الی بیست هزار قشقایی آنجا را اشغال نموده بودند بکلی غیرممکن بنظر می آید و من نمی توانم حتی تصور مخابره چنین مطلبی را به شما بکنم.

سپس او مذکور داشت که شخصاً کمی شك دارد از اینکه صولت الدوله ترتیب این قتل را فراهم آورده است.

از زمانی که اول خبر مشعر بر اینکه تصور می شد قوام الملك مجروح شده باشد بمن رسید صاحب منصب طبی را قرار دادم که برحسب امر نظام السلطنه که در آنوقت آنچه سوار می توانست جمع آوری کند به محل وقوع قتل بعنوان تحقیق و تفتیش می فرستاد رفته به معالجه وی پردازد. دکتر وولات به اتفاق دو سوار از مستحفظین قنصلخانه طرف عصر حرکت نمود. شب را به بعضی از اهل خانه نصرالدوله برخورد و در جزو آنها عطاء السلطنه بود که بطور سخت مجروح گردیده و به شهر مراجعت می نمود. از قرار خبری که اینها دادند نصرالدوله مرده و کیفیت حال قوام الملك بکلی غیر معلوم و طرق را ایلات پر کرده اند.

دکتر وولات همینکه دید در آن موقع کاری نبود انجام دهد از روی عقل عمل کرده به شیراز مراجعت نمود.

از قرار شرحی که این سه نفر که جان بدر برده اند اظهار می دارند ظاهر می گردد که دسته ای از کشکولیها که در تفصیلی که قوام الملك بیان نموده مذکور است در ساحل رودخانه توقف نمودند تا آنکه نصرالدوله به فاصله بیست زرع [= ذراع] از آنها دور بود آن وقت شروع به شلیک نمودند. دو گلوله بر سر او خورده یکی از بدنش عبور نموده فوراً جان سپرد.

هیچیک از مستحفظین يك تیر هم خالی نکرده و کوشش ننمود که با دستۀ کوچک حمله کنندگان طرف شود و آنها دونفر از نوکرهای نصرالدوله [را] که عطاء نظام و عطاء السلطنه باشد بطور سخت مضروب نموده تمام اسباب آنها را غارت نمودند. عطاء نظام همین که حمله کنندگان از آن محل خارج شدند بطرف باغ نصرالدوله رفته و نزد باغبان بلژیکی پناهنده شد. شبانه به او اصرار شد از آنجا برود و نسبتاً سالمأ به شیراز وارد شد.

روز بعد من از فرمانفرما ملاقاتی نموده و از بعد از ظهر روز گذشته او را مطمئن تر یافتم. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] به من اظهار داشت که سردار اسعد از روی حقانیت از این قتل اظهار خشم نموده آشکارا وقوع آن را بخود نظام السلطنه نسبت می‌دهد و یحتمل دولت ایران نظر به امنیت مملکت مقام وزارت داخله را به او تفویض خواهند نمود و بعلاوه اظهار داشت که در صورتی که وزارت داخله به سردار اسعد داده شود او فوراً استعفاء خواهد نمود و شکی ندارد که صولت‌الدوله قبایل فارس خود را جمع‌آوری نموده و به اتفاق والی پشتکوه بسمت طهران حرکت خواهند نمود. او با قدری اصرار بر من اینطور فهمانید که تعیین سردار اسعد باعث تولید اغتشاش فارس خواهد گردید که فقط مداخله خارجی قادر بر اطفاء نایره آن خواهد بود.

همان روز صبح نعش نصرالدوله را وارد نمودند. برخلاف انتظار عموم اعضای بدن او قطع نشده و حتی زنان در اشولی [دره شوری] از آن مواظبت نموده بودند. پس از آنکه دکتر وولات زخمهای او را معاینه نمود نعش او را پس از ختم مراسم در مقبره خانوادگی آنها دفن نمودند.

البته اروپاییانی که با نصرالدوله آشنایی داشتند از مرگ او متأسف خواهند بود. در تمام معاملاتش با این جماعت مشارالیه در مورد هر يك همواره ابراز جرأت و سخاوت صادقانه می‌نمود، اگر چه هم‌شهریهای او این صفات را حمل بر حماقت می‌نمودند لیکن صفات مذکوره در وجود او يك نوع حس مغرب‌زمینی نشان می‌داد که مقتضیات حفظ شئون خانوادگی خود را ملحوظ داشته نگذارد روی به انحطاط برود. مثلاً هرگاه نسبت سرقتی به بستگان یا عشایری که در تحت امر او بودند داده می‌شد با وجود فقدان وسایل کافی در پرداخت دعاوی آنها بهیچ وجه تردید یا خیره روا نمی‌داشت.

کمتراً جای شك است که نظر به غارت و چپاول صولت‌الدوله که سال بسال در ازدیاد بود مشارالیه بزرگترین قوه فعاله در احداث آنتریکهای [= انتریگ‌هایی] که از مدتی به این طرف موجب هرج و مرج عمومی فارس شده، بوده است اما این مسئله در مورد ولی برخلاف حرص و طمع رقیب او از قرار معلوم جز از خشونت طبع و میل مفرط به استخلاص خود از قیودی که مانع از انجام مقاصد عالیهاش می‌گردید ناشی نبود و اگرچه اولاد ذکوری از او باقی نمانده لیکن انتظار می‌رود که بزودی از

(۱) بهمین گونه است در اصل - عبارت درهم و نارسا است. و اصلاح آن، از روی قرینه هم ممکن نشد. - م.

زوجهاش طفلی بوجود آید.

اما از بابت قوام الملك تاکنون بطور قطع معلوم نیست چه بر سر او آمده. کمی بعد از ظهر روز هفتم مه عیال او نزد من آمده استفسار نمود در صورتی که نتوانسته باشد فرار نماید و به شیراز مراجعت کند آیا من او را در قنصلخانه پناه خواهم داد؟ من در جواب اظهار داشتم هرگاه ظاهر شود که جان او در مخاطره آجل باشد اجازه دخول به او داده خواهد شد. چند ساعت بعد او وارد شیراز شده به قنصلخانه رسید و با وجود خستگی و اضطراب و تب شدید فوراً حاضر بود با فرمانفرما به ستیزه پردازد. بمجرد ورود قوام الملك به قنصلخانه اعلیحضرتی من فرمانفرما را از حضور او رسماً اطلاع دادم و مذکور داشتم پس از قتل نصرالدوله بر من چنین ظاهر گردید که جان قوام الملك در مخاطره آجل بود و علیهذا او را پناه دادم و تا زمانی که اطمینانات موافق دلخواه برای تأمین شخص او برسد در اینجا متوقف خواهد بود.

نظام السلطنه جواب داد که دوستان نفر مسلح در خانه قوام الملك میباشند و احتمال دارد در شهر تولید اغتشاش نمایند. من در جواب به فرمانفرما اطلاع دادم که قوام الملك عیال خود را دستورالعمل خواهد داد این دسته را که بنا بر اطلاعاتی که من دارم سی نفر میباشند همین که اطمینانات کامل برای تأمین خانه و اهل خانه او رسید از آنجا خارج خواهد نمود و به نظام السلطنه هم نصیحت دادم که در صورتی که خطری بر جان و مال اتباع انگلیس باشد خود او مسئول خواهد بود.

صبح روز بعد من از نظام السلطنه ملاقاتی نمودم. ایشان اصرار بر لزوم حرکت قوام الملك داشتند و از خطر توقف او زیادتراً از این در اینجا در پرده تهدید می نمودند. در این موقع ایشان حتی از من درخواست نمودند که از يك درب پشت عمارت حکومتی نزدشان بروم و اطمیناناتی که برای تأمین قوام الملك پیشنهاد نموده بود بدهد برای من عنوان نموده و ارائه طریق نمود که صولت الدوله را بایستی راغب نمود که برای آنکه به سلامت مسافرت کند ضمانت کتبی داده در صورت خلف آن مبلغ زیادی دادنی باشد و تا حدود خاک کمارج مسئولیت او را به عهده گیرد و از آن نقطه خود او وثیقه های لازمه الی بوشهر خواهد داد و بنظر او این طور می رسید که دو یا سه نفر از سواران قنصلخانه بایستی به همراهی قوام بروند و در این موقع او بعوض سواران دولتی چند نفر از اهل دهات خود همراه او خواهد فرستاد.

این پیشنهادات اگرچه قابل تمجید است ولی از قرار معلوم در حقیقت وثیقه ای که بتوان به آن اعتماد نمود نمی باشند.

من به نظام السلطنه اظهار داشتم که این پیشنهادات را فوراً برای شما مخابره خواهم نمود.

همین که ایشان مجدداً در باب وجوب حل فوری این مسئله نظر به اغتشاشات محتمله مذاکره نمودند من دوباره ایشان را بطور سخت متذکر نمودم که در صورت وقوع چنین حوادث خود ایشان مسئول خواهند بود.

همان روز بعد از ظهر اول نمایش از جمله چندین نمایشات در انجمن بوقوع پیوست

و محض آنکه به این هیجان حرارتی داده شود پنجهزار تومان وعده داده شد به اعضای انجمن داده شود و هر یک از ملاحا یا تجار که می توانستند ترغیب به آمدن آنجا نمایند بر حسب مقتضا یا تهدید می نمودند و یا آنکه رشوه خوب میدادند. بعموم حاضرین روزی دو قرآن [دو قرآن؟] می دادند. در این اجلاس نطقهای شدیده ایراد شده از طرح ریزیها و مقاصد انگلیس در جنوب ایران که شهرت یافته بود مذمت نموده ازدهام [= ازدحام] را اصرار به حمله به قنسولخانه و قتل قوام الملک می نمودند.

پس از این نمایش نظام السلطنه مرا از اظهارات و رای که این ازدهام [= ازدحام] داده از پناه دادن به قوام الملک مذمت نموده و آن را مداخله غیر حقه در امورات داخلی ایران می دانستند، مستحضر داشتم. من مکتوب او را مرجوع نموده از او استدعا نمودم که اگر خواسته باشند این گونه مطالب را برای من بنویسند بایستی بطور رسمی باشد. در این منوال مکتوبی سر باز توسط من بعنوان قوام الملک رسید مشعر بر اینکه رعایای او هنوز فرمان بردار و حاضرند برای او تحت اسلحه بروند و جنگ کنند. من قوام را از وصول این مکتوب مستحضر داشتم و جداً او را متنبه نمودم که تا زمانی که در قنسولخانه اعلیحضرتی توقف دارد باید از هرگونه آنتریک [= انتریگ] احتراز نماید و اظهار داشتم که فیما بعد بایستی کلیه مراسلات و مکاتبات او توسط من باشد و به او اطلاع دادم به خویشان و رفقای خود پیغام فرستاده ایشان را از این امر مطلع سازد و محض آنکه بی جهت کدورتی حاصل نشود از او درخواست نمودم که تلگرافاتی که به نایب السلطنه و صدراعظم یا کابینه وزراء مخایره مینماید توسط اداره تلگرافی انگلیس باشد.

در این وقت بر وفق تعلیماتی که از شما رسید من نظام السلطنه را مستحضر داشتم که در صورتی که اغتشاشاتی به وقوع رسیده و به ملاحظه منافع جان و مال اتباع خارجه مداخله لازم گردد شخص او مستقیماً به دولت اعلیحضرتی مسئول خواهد بود. متعاقب آن همینکه دریافتم که تفنگچیان علی اکبر ده بزرگی که دشمن جان قوامیها بود دور قنسولخانه قرار داده شده و چون قبل از آن از چندین منابع غیر مربوطه شنیده بودم که مفیث الدوله وعده دو هزار تومان داده است به کسی که وارد قنسولخانه شده و قوام الملک را مقتول نماید. من بطور خصوصی به فرمانفرما اطلاع دادم که چنین اخباری بمن رسیده و بطور رسمی ایشان را اطلاع دادم که من نمی توانم هیچ کس را بسیچوجه من الوجوه بگذارم بدون اجازه مستقیم داخل اراضی قنسولخانه شود و هرگاه کسی از این تجاوز نماید من فرمانفرما را برای هر نوع حادثه غیر مطلوبه که واقع شود مسئول خواهم دانست.

از آن وقت تاکنون نظام السلطنه عده ای از آدمهای شخصی خود را دور و حوالی آنجا قرار داده است. آدمهای علی اکبر هم هنوز آنجا توقف دارند. این است شرح اوضاع ناگوار حالیه شیراز.

از زمان فرار قوام الملک فرمانفرما در چندین مواقع بمن فهمانیده است که اهالی شهر ممکن است با سهولت از تحت اختیار او خارج شوند و هرگاه اغتشاشاتی به وقوع

رسد طوری خواهد بود که دولت ایران هم بدون مساعدت از عهده رفع آن برنخواهد آمد و همین طور اشارات دیگر هم نموده است. بنظر من مسئله تهدید حمله به قنسولخانه را باید قابل اعتناء ندانست. با وجود آن می ترسم نتوان کاملاً غیرممکن دانست که در محل دیگری حمله بر یک نفر اروپایی شود به خیال آنکه یکی از دو طرف بنخواهند باعث مداخله گردند. در هر صورت ظاهر است که در این موقع تعیین سردار اسعد یا عزل صولت الدوله یا نظام السلطنه احتمال کامل می رود باعث سختی اوضاع فارس گردد.

هرگاه دولت مرکزی نظام السلطنه را عزل نماید او مجبور خواهد گردید فوراً تصور احتمال قتل خود را یا در شیراز یا در راه که اعدا عدو او در آنجا هستند بنماید.

بعلاوه هرگاه دولت ایران برای ابراز خشم خود هر یک از این سه شق را اختیار نماید صولت الدوله لااقل از حفظ طرق جنوبی دست برداشته و همراهان خود را مجاز به سرقت و غارت می نماید.

اگر صولت الدوله از دور و حوالی شیراز دور شود و با برادر فعال خود ضیفم الدوله که بلاشک از چنین موقعی استفاده خواهد نمود و توقف او البته در اینجا دائمی نخواهد بود از این جا برود البته امورات شکل بهتر و مطبوعتری خواهد گرفت.

اما از بابت حرکت قوام مشکل است که نتیجه ای معلوم گردد چون بنظر من غیرممکن است وثیقه ای از او تحصیل نمود بدون آنکه او تصور نماید که به واسطه کثرت نفوذ او ما مجبور باخذ چنین وثیقه شده ایم.

هرگاه تا وقتی که صولت الدوله بطرف شمال حرکت کند امورات به همین نهج باشد گمان نمی کنم اشکال داشته باشد قوام را اینجا نگاهداریم تا آنکه اوضاع جنوب اصلاح شود چرا که به عقیده من پس از این انقلابی که بواسطه قتل نصرالدوله بظهور رسید حتماً به همین زودی کارها سر و صورتی خواهد گرفت.

من تاکنون در باب افکار و وضع سلوک صولت الدوله اطلاع قطعی ندارم ولی گمان می کنم شکی نباشد که او هم در این آنتریک [= آنتریگ] های حالیه شرکت زیادی داشته است اگرچه یحتمل آنتریگهای او مثل فرمانفرما بالا راده نبوده است.

امضاء ناکس

نمره - ۱۸۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژوئیت)

طهران غره ژوئیت ۱۹۱۱ [۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲ رجب ۱۳۲۹]

آقا

چنانچه انتظار می رفت اشکالات مابین مستر مرگان شوستر خزانه داری کل

[خزانه‌دار کل] امریکائی و مسیو مرنارد مدیرکل گمرکات بلجیکی بوقوع رسیده است.

چنانچه در مکتوب ۱۳ ماه گذشته خود اطلاع دادم قانونی که بموجب آن اختیارات وسیعه به مستر شوستر داده شد مسوده گردید و ماده پنجم آن این است که بدون امضاء یا تصویب خزانه‌داری کل دولت هیچ‌گونه مصارفی نباید بنماید. این قانون در ۱۳ شهر ماضی از مجلس گذشت و در ۱۶ ماه گذشته مستر شوستر بطریق ذیل برای بانك شاهنشاهی نوشت:

«خواهشمندم ملاحظه فرمایید که بر طبق ماده پنجم قانونی که در ۱۳ ژون ۱۹۱۱ در مجلس تصویب شده دولت علیه هیچ نوع مصارفی را بدون امضاء یا تصویب خزانه‌داری کل نمی‌تواند بکند...»

در ۲۱ ماه گذشته دو چك به امضای مسیو مرنارد به حواله بانك از بابت حساب گمرک برای مصارفی که از قراری که فهمیده‌ام مسیو مرنارد معمولاً از بابت عایدات گمرک دریافت می‌نموده به بانك ارائه شد که پردازد ولی بانك برحسب دستورالعمل مستر شوستر که در فوق مذکور شد از پرداخت وجه آنها امتناع نموده آنها را رجوع به خزانه‌داری کل نمود و او شخصاً چکهای مزبوره را قبول و معادل آن به بانك حواله داد.

مسیو مرنارد به رئیس کل بانك شاهنشاهی مکتوبی نوشته با کمال تغییر این اقدام او را غیرقانونی دانسته و پروتست نمود و مستر وود هم در جواب او تعلیماتی را که از خزانه‌داری کل برای او رسیده بود نوشت.

روز ۲۱ ژون مستر شوستر برای مسیو مرنارد مراسله‌ای نوشته - همان روزی که چکهای مسیو مرنارد نکول شده بود - دقت او را به قانونی که اختیارات خزانه‌داری کل را مشخص نموده جلب نموده اظهار داشت که تمام وجوهاتی که از بابت عایدات گمرک وصول شده و کلیه تنمه وجوهاتی که در بانك شاهنشاهی و بانك روس است باید به حساب او منتقل شود و بیان نمود حاضر است که مصارف ادارات گمرک را پردازد در صورتیکه مسیو مرنارد در بعضی اوراق جزئیات مخارج را که لازم است نوشته نزد او بفرستد. مسیو مرنارد در يك مراسله فقط وصول مکتوب او را اطلاع داده و تاکنون بر وفق میل مستر شوستر عمل ننموده است.

درحالی که این را می‌نویسم مسئله اینکه آیا اداره گمرک بایستی در تحت خزانه‌داری کل باشد یا نباشد خیلی کسب اهمیت نموده. شارژدفر بلجیک می‌گوید که به موجب کنترات مدیر کل بلجیکی بطور وضوح مرقوم است که او در تحت امر صدراعظم و وزیر مالیه خواهد بود و در وقت تعیین مسیو بیزو سفارت بلجیک در مکتوب خود بعنوان دولت ایران این مسئله را تصدیق نموده است. از طرف دیگر هیچ احتمال نمی‌رود که مستر شوستر قبول خارج بودن اداره گمرک از تحت کنترل خود را بنماید. مستر شوستر و مسیو مرنارد تاکنون از یکدیگر ملاقات ننموده‌اند و هرکدام از آنها منتظر است دیگری اول دفعه به ملاقات او برود. از قراری که فهمیده‌ام نایب‌السلطنه

کوشش دارد ترتیب ملاقاتی مابین آنها بدهد و امیدواری می‌رود که آنوقت مابین آنها اصلاحی بدهد.

من خود را از این گفتگوها دور نگاه داشته‌ام و دخالت نمی‌کنم تا آنکه از طرف شما برخلاف آن تعلیمی برسد.

امضاء بارکلی

نمره - ۱۸۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژوئیت)

طهران ۱۷ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۵ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۰ رجب ۱۳۲۹]

حرکات سالارالدوله (رجوع بخلاصه وقایع در تحت عنوان تبریز بنمایید) حالا خیلی اهمیت پیدا کرده. او سنه ۱ و حوالی آنجا را اشغال نموده و چنانچه شنیده‌ام بیم آن می‌رود که اهالی کرمانشاه هم با وی ملحق شوند و او اعلان پادشاهی محمدعلی را داده و به مجلس تلگراف نموده به آنها دستورالعمل داده است که او را دعوت بمراجعت نمایند. بعلاوه بمن اطلاع رسیده که عمال شاه [را] که اخیراً در بادکوبه توقیف شده‌اند گذارده‌اند بسمت ایران حرکت نمایند.

نمره - ۱۸۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژوئیت)

طهران ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

بمن اطلاع رسیده که خوانین بختیاری قبول نموده‌اند قشون درمقابل سالارالدوله اعزام نمایند.

ناصرالملک سردار اسعد را دعوت به آمدن به ایران نموده است.

نمره - ۱۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژوئیت)

طهران ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۴ شهر جاری من:

سپهدار راضی شده که کابینه را تشکیل نماید.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژوئیت)
 طهران ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

الان خبر رسید که شاه مخلوع با چند نفر از همراهان خود به کمش تپه که نزدیک
 استرآباد واقع است ورود نموده.

نمره - ۱۹۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جی بیوکانون
 طهران ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

خزانه داری کل

اطلاعی که در تلگراف ۱۵ شهر جاری از طهران مندرج بود بایستی به دولت روس
 مغایره شود. شما باید اظهار دارید که بنا بر عقیده دولت اعلیحضرتی بهترین راه حل
 اشکال برای خزانه داری کل و مدیرکل گمرکات این است که مسئله را مابین خود
 فیصله دهند و سفارتین دخالتی ننمایند. شما نیز باید اظهار دارید که دولت اعلیحضرتی
 با مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] موافقت دارند بر اینکه اقدام را به تعویق اندازند.

نمره - ۱۹۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جی بیوکانون
 وزارت خارجه ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۷ ژوئیت سر جارج بارکلی:

شاه مخلوع تحت حفاظت روس و انگلیس از ایران خارج گردید و ما هر دو شاه
 جدید را شناختیم. نمی دانم ما با روس چطور می توانیم مراجعت شاه مخلوع را قبول
 نماییم. شما باید از دولت روس استفسار نمایید که آیا آن دولت به شاه مخلوع اطلاع
 خواهند داد که بهیچوجه من الوجوه او را اجازه مراجعت نخواهند داد؟ ما با شرف
 همراه خواهیم بود که چنین اطلاعی به او داده شود.

نمره - ۱۹۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژوئیت)
 طهران ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]

مراجعت شاه مخلوع

در تعقیب تلگراف ۱۸ ژوئیت خود افتخار دارم راپورت دهم که صمصام السلطنه
 ایلخانی بختیاری برای وزارت جنگ نامزد شده است و در مجلسی که ناصرالملک

دیروز منعقد نمود قصد خود را اعلام نمود که می‌خواهد عده کثیری از قوای بختیاری را برای قلع و قمع محمدعلی میرزا تجهیز نماید. فعلا چنین قرارداد شده که با محمدعلی میرزا مقاومتی نشود تا آنکه به ناحیه خوار که در ۸۰ میلی طرف مشرق طهران واقع است برسد.

نمره - ۱۹۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژوئیت) طهران ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹] شیراز - در عرض چند روزه اخیر مابین عساکر فرمانفرما و یاغیان شلیک رد و بدل شده تلفات چندی نبود و نتیجه قطعی حاصل نگردید.

نمره - ۱۹۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژوئیت) طهران ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹] راه بختیاری - در تعقیب تلگراف سیزدهم ژوئیت خود جنرال قنصل اولی حضرتی مقیم اصفهان یک فقره عمده سرقت در این راه را راپورت داده است. راه چینه با امان ایاب و ذهاب قوافل در راه فعلا بکلی موقوف شده است.

نمره - ۱۹۵

تلگراف سر جی بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژوئیت) سنند پترزبورغ ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹] مفاد تلگراف دیروز شما را به مسیو نراتف تبلیغ نمودم و او هم با این عقیده موافق است که در این موقع هرگونه اقدامی به تأخیر انداخته شود. مشارالیه اظهار داشت که هر ترتیبی که خزانه داری کل و مدیر کل گمرکات مابین خود بدهند بایستی بریطانیای عظمی و روسیه را از آن مطلع نمود و به مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] تعلیم داده است که مواظب پیش آمد کارها بوده به بیند کاری که از یک راهی مضر منافع روس باشد به انجام نرسد. راه چینه با امان ایاب و ذهاب قوافل در راه فعلا بکلی موقوف شده است. مفاد تلگراف دیروز شما را به مسیو نراتف تبلیغ نمودم و او هم با این عقیده موافق است که در این موقع هرگونه اقدامی به تأخیر انداخته شود. مشارالیه اظهار داشت که هر ترتیبی که خزانه داری کل و مدیر کل گمرکات مابین خود بدهند بایستی بریطانیای عظمی و روسیه را از آن مطلع نمود و به مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] تعلیم داده است که مواظب پیش آمد کارها بوده به بیند کاری که از یک راهی مضر منافع روس باشد به انجام نرسد.

نمره - ۱۹۶

تلگراف سر جی بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژوئیت) سنت پترزبورگ ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]

حاوی مضمون ملخص مکتوب ۲۴ ژوئیت می باشد:

به وصول تلگراف ۱۸ شهر جاری شما من از کفیل وزارت امور خارجه ملاقات نموده و استفسار نمودم که آیا نظر به اهمیت روزافزون موقع ایران دولت امپراطوری با دولت اعلیحضرتی متفق خواهند شد که بشاه مخلوع اعلام نمایند که بهیچوجه من الوجوه مراجعت او را به ایران اجازه نخواهند داد؟

مسیو نراتوف صحبت مرا قطع نموده اظهار داشت که همان روز صبح تلگرافی از قنصل روس مقیم استرآباد واصل گردیده مشعر بر اینکه چنانچه راپورت داده شده شاه مخلوع با قلیلی از همراهان خود به کمش تپه وارد شده و به سرکردگی قبایلی که به او ملحق گردیده اند تهیه حرکت به استرآباد را می بیند.

در جواب سؤالی که از او نمودم که آیا آن اعلیحضرت به چه تدبیر وارد کمش تپه شده و آیا به اتفاق اشخاصی که تصور می شد جاسوسان او باشند و مأمورین محلی روس آنها را موقتاً توقیف نموده بودند از بادکوبه عبور نموده بود؟ جناب معظم الیه [= معظم له] اظهار داشت که از این مسئله بکلی بی اطلاع است و در باب اشخاصی که من اشاره به آنها نمودم و اداشته است تحقیقات بعمل آید ولی از قراری که به او اطلاع داده اند هیچیک از آنها به تازگی به بادکوبه وارد نشده اند که اسباب سوءظن مأمورین محلی گردد.

سپس من عنوان نمودم که چون شاه مخلوع در تحت حفاظت انگلیس و روس از ایران خارج شده و چون دولتین پسر او را به سلطنت شناخته اند چطور می توان قبول مراجعت او را نمود و بنابراین می خواهم بدانم که آیا آن جناب صلاح می دانند بهمان مضمونی که پیشنهاد نموده اند اخطاری به آن اعلیحضرت بکنیم یا آنکه راه دیگری بنظرشان می رسد؟ جناب معظم الیه [= معظم له] جواب دادند که اگر شاه مخلوع هنوز در اروپا بود من با کمال میل حاضریم چنین انتباه نامه ای برای آن اعلیحضرت بفرستم ولی اکنون که وارد شده وضع بکلی تغییر کرده است. آن اعلیحضرت به ورود کمش تپه حمایت دولتین را از دست داده و البته باید تا آخرین دقیقه مقاصد مهم خود را تعقیب نماید. بنابراین فایده نداشت که ما عنوانی به او بنماییم چرا که یقیناً او به اظهارات ما اعتنائی نمی نمود.

این مسئله صحیح است که شاه حالیه را ما شناخته ایم ولی همانظوری که در شناختن شاه مخلوع صلاح ما نبود برای منع خلع وی مداخله نماییم شناختن شاه حالیه هم روا نمی دارد که در امورات داخله ایران مداخله نماییم.

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۱۹۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۸ ژوئیت سر جارج بارکلی:

دولت روس را اطلاع دهید که نظر به مراجعت شاه مخلوع تصور می‌کنیم حقوق او
بایستی مقطوع گردیده باو اخطار شود که دولتین بهیچوجه بازگشت وی را بتخت
سلطنت نخواهند شناخت و نمی‌توانند بگذارند او دائماً در ایران باشد.
استفسار کنید که آیا دولت روس با این مسئله موافقت دارند؟ تصور می‌کنیم که
شاه حالیه که دولتین شناخته‌اند باید بر سریر سلطنت جالس باشد.

نمره - ۱۹۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژوئیت)
طهران ۲۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۹]
راپورت دو فقره سرقت قوافل در ۱۷ و ۱۸ ژوئیت در راه شیراز الی اصفهان داده
شده که در یکی از سرقتها هیجده لنگه قماش کمپانی زیگلر بسرقت رفته است.

نمره - ۱۹۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژوئیت)
طهران ۲۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۹]
شیراز - کفیل قنسولگری راپورت جنگهای دیگر سخت در شب سه‌شنبه و حمله
بی‌نتیجه به خانه قوام را میدهد. یاغیان از کفیل قنسولگری اجازه تحصن اختیار نمودن
خواستند و او هم بر حسب میل من، خواهش آنها را رد نموده است.
کفیل قنسولگری فرمانفرما را به اعتدال و میانه‌روی اصرار نموده و در جواب
گفته است که هرگاه تمام آنها تفنگچیان خود را متفرق سازند حاضر است توسط
قنسولخانه اطمینان کتبی به تمام یاغیانی که يك سمت شهر هستند برای اعطای عفو
عمومی بدهد.
کفیل قنسولگری گمان می‌کند قنسولخانه را طرف مسئولیت قرار دادن کار خطرناکی
است و بنا بر تصویب من این ارائه طریق فرمانفرما را رد می‌کند.

نمره - ۲۰۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژوئیت)
طهران ۲۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۹]
کابینه جدید سپهدار دیروز به مجلس معرفی شدند. وزیر امور خارجه تغییر

نموده. در کابینه سه نفر وزیری که بداشتن عقاید ملیین مشهوراند موجود است.

نمره - ۲۰۱

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژوئیت) سنت پترزبورغ ۲۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۹] حاوی مضمون ملخص مکتوب مورخه ۲۴ ژوئیت می باشد:

روز ۲۰ ژوئیت ملاقات دیگری از مسیو نراتوف نموده و مطالبی را که به موجب تلگراف ۱۹ شهر جاری خود دستورالعمل داده بودید به ایشان ابلاغ نمودم و گفتم که نظریات شما در باب روشی که بایستی دولتین در بحران حالیه تعقیب نمایند با او مختلف است و خیال شما این است که نظر به مراجعت شاه مخلوع حقوق آن اعلیحضرت بایستی موقوف شود و به او اطلاع داده شود که دولتین بهیچوجه راضی به شناختن بازگشت او به تخت سلطنت نشده و نمی گذارند بطور دائم در ایران توقف نماید. مسیو نراتوف در جواب اظهار داشت که تلگرافی که از کنت بنکندرف واصل گردیده حاکی است بر اینکه ممکن است مابین دولتین در این باب اختلاف نظر باشد ولی با وجود آن او بایستی پای بند به اظهارات دیروز خود بمن باشد. الحال که شاه مخلوع در مقام مبارزت و جنگجویی برآمده برای او امکان ندارد تا مقاصد خود را انجام دهد و مظفر نگردد و یا آنکه شکست سختی متحمل گردد دست بردارد. هرگاه مظفر گردد برای ما اشکال خواهد داشت که اگر بر تخت سلطنت جلوس نماید او را نشناسیم و برای ما هم فایده نخواهد داشت با او بگوییم ما تو را نمی گذاریم بطور دائم در ایران توقف نمایی مگر آنکه مهیا شویم که با اعمال، اقوال خود را تقویت نموده و عساکر به ایران سوق داده و عزم خود را بانجام رسانیم.

جناب معظم الیه [= معظم له] پس از آن تکرار نموده اظهار داشت که به عقیده او بهتر است دولتین هیچ نوعی اقدامی ننموده و بگذارند آنچه شدنی است بشود. عقیده او بکلی مخالف مداخله بود چرا که هرگاه بنخواهیم حالا مداخله نماییم یحتمل پس از قلیل مدتی مجبور خواهیم شد که مجدداً مداخله نماییم و بغیر از آنکه عساکر بفرستیم. ما در صورتی که شاه پیشرفتی بنماید از پیش آمدن او نمی توانیم جلوگیری بکنیم و نه می توانیم به حکومت حالیه تقویت مؤثری بنماییم.

من اظهار نمودم که چنانچه ملاحظه می نمایم روزنامه نوورمیا در ضمن مقاله ای که همان روز صبح طبع نموده در صورتی که خطری برای جان اتباع روس بنظر برسد مداخله را تجویز می نماید و در ضمن شرح چند فقره حمله که اخیراً بر آنها شده می نگارد. مسیو نراتوف در جواب بیان نمود که یک نفر صاحب منصب روسی هنگامی که از کمیسیون مختلطه سرحدی سواره بطرف خانه مراجعت می نموده در نزدیکی اردبیل بقتل رسیده و نظر به عدم امنیت عمومی مسئله اعزام یکدسته قزاق برای حفظ قوافل در راه معمولی در تحت مذاقه جدی است ولی فعلاً از خیال این اقدام منصرف

شده‌اند چرا که از اعزام عساکر در اینموقع ممکن است تعبیر شود که دولت روس قصد دارد در این کشمکشی که مابین دولت حالیه و شاه مخلوع در میان است مداخله نماید. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] بعلاوه اظهار داشت که به قنسولات روس مقیم ایران تعلیم داده شده که آنطوری که طبیعتاً بایستی سلوک نمایند همانطور عمل نمایند و مراقبت تامه به منافع روس داشته مأمورین دولت فاخره را مسئول هر نوع خساراتی که به اشخاص یا اموال اتباع روس وارد می‌آید بدانند.

از زمینه مطالب مطبوعات روس واضح می‌گردد که هرگونه مداخله مسلحی برای تقویت حکومت موجوده ایران باعث کدورت اهالی این مملکت خواهد بود. مطبوعات لیبرال عموماً با هرگونه مداخله‌ای مخالف بوده و روزنامه نوورمیا هم آنرا تجویز می‌کند در صورتی که جان اتباع روس در مخاطره باشد. از طرف دیگر روزنامه ملی اسویت مراجعت محمدعلی را صمیمانه خوش‌آمد گفته و با کمال شدت با هرگونه مداخله که برضد او باشد مخالفت می‌ورزد و مطبوعات ارتجاع طلب هم تقریباً همینطور عقیده دارند.

گمان نمی‌کنم عموم اینطور احساس می‌کنند که چون دولت روس برای برقرار داشتن محمدعلی بر سریر سلطنت از هرگونه مداخله احتراز نمود از آن نمی‌توان حالا انتظار داشت که به تقویت دولتی که هرگز بطور مودت با آن سلوک ننموده و از استقرار نظم در مملکت عاجز بوده است مداخله نماید.

من می‌خواهم اینرا علاوه نمایم که سوءظنی که بعضی از مطبوعات انگلیس در حق روس دارند که آن دولت به مراجعت شاه مخلوع مربوط بوده در اینجا اثر بدی باقی گذارده و بعقیده من این شایعات بکلی بی‌اصل می‌باشند.

بی‌توجهی و غفلتی که مأمورین محلی بادکوبه در گذاردن محمدعلی که بدون مانع وارد شود بخرج داده‌اند هرچه باشد و عقاید عامه روسیان با هرگونه احساساتی برقراری او را بتخت سلطنت نظر نمایند اخبار پیاده شدن وی بخاک ایران بسیار اسباب حیرت دولت مرکزی شده است.

من یقین دارم که هرگاه این‌چابکی و زرنگی که محمدعلی به‌خرج داده و نقشه‌ریزیهای خود را نموده و مخفیانه به انجام رسانید دولت روس را در مقابل یک کار تمام شده و گذشته‌ای قرار نمی‌داد و مسیو نراتف با نهایت وفاداری با دولت اعلیحضرتی همراهی می‌نمود که بطوری که پیشنهاد شده بود آن اعلیحضرت را متنبه ساخته و بعلاوه اقدامات از روی احتیاط بعمل می‌آید که از عبور او از خاک روسیه جلوگیری شود.

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۲۰۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
 طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

شیراز

کفیل قنصلگری راپورت می دهد که طوایف قشقایی دهات دور و حوالی را بنا بر تشویق فرمانفرما غارت می نمایند.
 من کفیل قنصلگری را اجازه داده ام به فرمانفرما اطلاع دهد که هرگاه بواسطه اغتشاشات مداخله دولت انگلیس لازم گردد شخص او مسئول خواهد بود.

نمره - ۲۰۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
 طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

راه بختیاری

در سرقتی که در تلگرام ۱۹ ژوئیت خود راپورت دادم از قراریکه شنیده ام بسیاری اجناس انگلیسی از میان رفته است.
 من مکتوبی به دولت ایران نوشته اصرار به لزوم اعاده نظم این جاده نموده ام مخصوصاً که حالا از قرار معلوم سرقتهای راه شیراز الی اصفهان شکل بسیار بدی پیدا کرده.

نمره - ۲۰۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
 طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

روز نوزدهم ژوئیت مجلس قانونی تصویب نموده دولت را مختار نمود که نظر به وجود عناصر آشوب طلب که برای جلوگیری آنها داشتن اختیارات فوق العاده لازم تصور می شود اعلان قانون نظامی در طهران بنماید.

نمره - ۲۰۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
 طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز

ظاهراً احتمال قوی می رود که دولت ایران مایل باشند نظام السلطنه را محض آنکه بختیاریه را در این موقع باریک بطرف خود جلب نمایند از فرمانفرمایی فارس معزول

نمایند.

هرگاه چنین اقدامی را در مد نظر دارند من پیشنهاد نمی‌کنم با آن مخالفت شود. مستر ناکس تصور نمی‌کند عزل نظام‌السلطنه باعث بدتر شدن اوضاع فارس شود بعلاوه ممکن است انتظار حصول امنیت در راه بختیاری هم داشته باشیم چرا که متعاقب عزل نظام‌السلطنه ممکن است حکومت بهبهان با بختیاریمها شود و آنها می‌توانند از ملوایف کوهکلوئییه [کهگیلویه] جلوگیری نمایند.

نمره - ۲۰۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
 طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۱۴ ژوئیت:

ژاندارمری خزانه - مستر شوستر کاغذی بمن نوشته خواهش نموده است که جواب خود را در باب تعیین استوکس معجلا برای او بفرستم. شرح ذیل ملخص مکتوب او است:

کلیه مسئله ژاندارمری خزانه لزوماً بعهدۀ تعویق است تا آنکه ترتیب این کار داده شود و بلاتردید می‌گویم که تشکیل این قوه بسیار با اهمیت و ضرورت تام برای اصلاح مالیه ایران دارد. بدون این ژاندارمری در حقیقت کاری از من پیشرفت نخواهد کرد و هرگاه استوکس با من نباشد نمی‌دانم شخصی که دارای خصوصیات او باشد از کجا پیدا کنم.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۰۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
 طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]
 اوضاع کرمانشاه

تلگراف ذیل از قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه واصل گردیده:

سالارالدوله به امیرالممالک تلگرافی مخابره نموده و حکومت کرمانشاه را به او واگذار کرده او را دستورالعمل داده است که اجانب و قنصلخانهای [قنصلخانه‌های] آنها را حفظ نموده انتظامات آنها را برقرار داشته و مراقب باشد که مأمورین محلی محترماً به طهران حرکت داده شوند و آذوقه برای هفت هزار سوار و ده هزار پیاده که قسمتی از آنها روز ۱۹ ژوئیت و باقی روز بیستم با وی حرکت می‌کنند تهیه نماید. او هم برحسب این اوامر عمل می‌نماید.

بعضی از مأمورینی که مردم آنها را تهدید نموده بودند به قنصلخانه وارد شدند. امیرالممالک مشغول ترتیبات است که آنها را سالمأ بطهران بفرستد. آیا وضع رفتار

من با سالارالدوله باید چه قسم باشد؟

من به مضمون ذیل باو جواب دادم:

تا وصول تعلیمات دیگر شما تا اندازه‌ای که برای حفظ جان و مال اتباع انگلیس مقیم کرمانشاه لازم باشد با سالارالدوله سؤال و جواب نمایید. هرگاه ببینید ناچار هستید با آن شاهزاده مراسلات رد و بدل کنید بایستی بطور وضوح باو بفهمانید که او را رسماً نمی‌شناسید.

نمره - ۲۰۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

فرمانده ژاندارمری - قبل از آنکه ماژور استوکس قبول فرماندهی کند بایستی از عهده خود قشون هندی استعفاء نماید - شما ممکن است این مسئله را به خزانه‌دار کل بگویید.

نمره - ۲۰۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ ژوئیت)

طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

مدیرکل گمرکات و خزانه‌داری کل - افتخاراً راپورت می‌دهم که شارژدفر بلجیک تعلیم یافته است که مکتوبی به دولت ایران نوشته و آن دولت را متذکر مازد که بر حسب شرایط استخدام مأمورین گمرک بلجیکی بایستی مستقیماً در تحت امر حکومت مرکزی باشند یعنی در تحت امر وزیر مالیه و رئیس‌الوزراء یا صدراعظم. هرگاه به این شرایط اعتنائی نشود دولت بلجیک مجبور خواهند گردید که در صدد بازخواست مأمورین بلجیکی از ایران برآیند.

نظر به بحران پلتیکی حالیه شارژدفر بلجیک ارسال این مکتوب را به تأخیر انداخته است و چونکه گفتگوی فیما بین مجدداً بجای سختی نرسیده سفیر روس و من موافقت نموده‌ایم که این اقدام به تعویق انداخته شود.

تعلیماتی که برای مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] رسیده مبنی است بر اینکه بایستی جداً سعی بحفظ و تقویت استاکو بنمایند به این معنی که مدیرکل گمرکات باید از خزانه‌دار کل مستقل بوده مخارج ادارات گمرک و مصارف ثابت را خود او کمافی‌السابق بپردازد.

نمره - ۲۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ ژوئیت)
 طهران ۲۲ ژوئیت ۱۹۱۱ (۳۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۹)
 حاوی مضمون مراسله ذیل است که مورخه ۲۷ ژوئیت می باشد:

آقا

افتخاراً سواد مکتوبی را که وزیر امور خارجه روز ۲۱ شهر جاری برای من فرستاده است ایفاد می دارم (ترجمه آنها در جوف است) بعلاوه سواد مکتوبی که روز ۲۴ شهر جاری به وزیر امور خارجه نوشته توجه او را بطرف نقض نشدن حقوقی که برحسب معاهدات از بابت محل سکونت مسلم شده جلب نموده و برای اتباع انگلیس که در اینجا سکونت دارند ایستادگی نمودم و عقیده من این است که سایر سفارتخانه ها هم در این باب همین رویه را اتخاذ نموده اند.

بواسطه این اعلان قانون نظامی جمعیتی کثیر به زرگنده که چنانچه من در قلمك حق مخصوص دارم همکار روس من هم در آنجا حق مخصوص دارد پناهنده شدند و اگر چه اشخاصی که خود را در تحت حفاظت روس قرار داده اند در معنی بست اختیار ننموده اند، مأمورین ایرانی نمی توانند آنها را در آنجا دستگیر نمایند.

روز ۲۳ شهر جاری بمجرد آنکه قانون نظامی اعلان شد پلیسهای در تحت امر یفرم چند فقره دستگیریهای عمده نمودند از آن جمله مجدالدوله (که نشان ك. سی. ام. جی. انگلیس را داراست) و امینالدوله در ضمن دستگیری مجدالدوله قدری خونریزی شد و صبح روز بعد قریب سی نفر زن و خواجهها و غیره متعلق به خانه مجدالدوله در سفارت روس آمده بست اختیار نمودند و نعلش يك زن و مرد را که پلیسها در نزاع دیروز بقتل رسانیده با سه نفر مجروح به آنجا آوردند. سفیر روس از روی بی میلی آنها را اجازه داد نزدیک حدود سفارت بیایند. دو روز بعد از آن چند نفر از خویشان دیگر مجدالدوله با برادرش خود را به اراضی سفارت در قلمك رسانیدند و اظهار داشتند که می خواهند بست اختیار نمایند. به آنها اصرار شد که از آنجا خارج شوند و اوامر لازمه داده شده است که درهای سفارت را هم اینجا و هم در شهر ببندند و هیچ کس را مگر آنکه دیده شود در مخاطره آجل جانی است به آنجاها راه ندهند.

جارج بارکلی امضاء

ملفوف يك نمره ۲۱۰

مکتوب محتشم السلطنه به سر جارج بارکلی

طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

جنابا:

افتخار دارم جنابعالی را مستحضر دارم که از روز شنبه ۲۲ ماه ژوئیت قانون نظامی

در طهران برقرار خواهد شد و اینک مواد قانون مزبور را که به مناسبت قانون نظامی تصویب گردیده است لفاً ایفاد می‌دارم. امید است که جنابعالی به اتباع انگلیس تعلیم خواهند داد که از مخالفت با حکومت مشروطه احتراز نمایند. هرگاه در خانه‌های آنها اجلاساتی منعقد گردد دولت حق خواهد داشت که اشخاصی را که در این جلسات حضور بهم می‌رسانند توقیف نماید و در مورد صاحبان آن خانه‌ها هم بر وفق معاهدات و مرسومات اقدام خواهد شد.

امضاء: محتشم السلطنه

ملفوف دو نمره ۲۱۰

ترجمه لایحه اعلان قانون نظامی که در جلسه فوق‌العاده مجلس روز چهارشنبه ۱۹ ژوئیه ۱۹۱۱ تصویب گردیده است.

از آنجایی که شورای وزراء نظر به مقتضیات وقت اعلان قانون نظامی را لازم می‌دانند مواد ذیل را به مجلس پیشنهاد نموده تصویب فوری آنرا درخواست می‌نمایند: ماده اول - از زمانی که قانون نظامی اعلان شود اموراتی که مربوط به امنیت و آسایش عامه باشد بنا بر تصویب شورای وزراء توسط وزارت جنگ به انجام خواهد رسید.

ماده دوم - محاکم نظامی موقتی برقرار خواهد شد که با کمال فوریت و سختی در تقصیرات و اقداماتی که برخلاف امنیت و آسایش عمومی بعمل آید تحقیق و تفتیش نماید.

ماده سوم - قضات محاکم نظامی تماماً از اهل نظام خواهند بود.

ماده چهارم - اشخاصی که بر علیه دولت مشروطه و امنیت و آسایش عمومی اقدامات فعاله می‌نمایند و تقصیرشان به ثبوت رسیده محکوم بقتل خواهند گردید.

ماده پنجم - قوه مجریه حق خواهد داشت که اشخاصی را که مظنون مخالفت با دولت مشروطه و امنیت و انتظامات عمومی می‌باشند دستگیر نماید و پس از دستگیری محاکمه خواهند شد. هرگاه پس از محاکمه بکلی از سوءظن بری نشوند اشخاص مذکور توقیف خواهند بود که پس از انقضای مدت جریان قانون نظامی به وزارت عدلیه تسلیم شوند.

ماده ششم - در صورتی که اعضای محاکم نظامی بخواهند در مجازات مقصری تخفیف بدهند آنها حق خواهند داشت که توسط وزرای مسئول تخفیف مجازات او را از نایب‌السلطنه استدعا نمایند و به غیر از اعضای مذکوره کسی دیگر حق شفاعت نخواهد داشت.

ماده هفتم - در صورت سوءظن، مأمورین دولت که استقرار نظم شهر بعهده آنها است حق دخول و تفتیش خانه‌ها را دارند و در صورتی که با آنها مخالفت و مقاومت شود می‌توانند قهراً در آنجاها وارد شده و اشخاصی را که اظهار مخالفت و مقاومت می‌نمایند دستگیر نموده بر وفق اوامر محکمه نظامی بطور سخت آنها را مجازات دهند.

ماده هشتم - هرگاه روزنامجات یا هرگونه مطبوعات دیگر مطالبی بر ضد اقدامات دولت طبع و نشر نمایند توقیف خواهند شد و ادارات آنها مسدود خواهد گردید و در صورتی که باعث تهییج برضد دولت شوند مدیران اینگونه روزنامجات و مطبوعات یا نویسندگان آنها بر وفق قانون محکمه نظامی مجازات خواهند شد.

ماده نهم - مجازات مستخدمین دولت و اشخاصی که این کارها را اداره می کنند تخفیف داده نخواهد شد.

ماده دهم - تمام اجتماعات و انجمنها تا وقتی که قانون نظامی مجری است بایستی متروک باشند. هرگاه عده ای در محلی اجتماع نمایند باید همین که پلیس به آنها اخطار نماید فوراً از هم متفرق شوند و در صورت مخالفت و مقاومت اشخاصی که مقصر واقع شوند به محکمه نظامی آورده شده و محکوم به مجازات خواهند گردید. اگر يك قسمت یا تمام آنهایی که اجتماع نموده اند مسلح باشند باید همان وقت دستگیر شده و بر طبق فتوای محکمه نظامی مجازات شوند.

ماده یازدهم - حمل هرگونه اسلحه جداً ممنوع است مگر در مورد مأمورین دولت که استقرار نظم و امنیت عامه بعهده آنها است. در صورتی که کسی غیر از مأمورین دولت دیده شود که حمل اسلحه نموده دولت اسلحه او را ضبط خواهد نمود و حامل چنین اسلحه بر وفق امر محکمه نظامی مجازات خواهد شد.

ماده دوازدهم - مستخدمین دولت که مطالب تلگرافات و مراسلات دولتی را افشاء نمایند به محکمه نظامی آورده شده و با سختی تمام تنبیه خواهند شد.

ماده سیزدهم - در هر نقطه از مملکت که دولت لازم بداند قانون نظامی اجراء خواهند نمود.

[ملفوف سه] نمره ۲۱۰

مکتوب سر جارج بارکلی به محتشم السلطنه
طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

جنابا...

در باب مراسله ۲۱ ژوئیت جنابعالی افتخار دارم جنابعالی را مستحضر دارم که به اتباع انگلیسی دستورالعمل خواهم داد که از هرگونه اقدامی که باعث اختلال نظم و امنیت باشد احتراز نمایند و باید این مسئله را خاطر نشان جنابعالی نمایم که ماده هفتم قانون نظامی مخالف حقوق معاهده ای است و باید از جنابعالی خواهش نمایم به مأمورین دستورالعمل بدهید که بدون رجوع به این سفارت داخل خانه های اتباع انگلیس نشوند.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۲۱۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۲۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۹]

مراجعت محمدعلی به ایران - دولت روس تا اندازه‌ای خود را مسئول جلوگیری مزاحمت شاه مخلوع نمود و ما هم به واسطه همراهی با آن دولت در این مسئولیت شریک هستیم من با این رأی موافقت دارم که اقدام مسلحی صلاح نیست و بایستی بطور واضح بشاه مخلوع فهمانیده شود که ما حرکات او را صحیح نمی‌دانیم.

نمره - ۲۱۲

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۹]

آقا
سفیر ایران امروز صبح از من ملاقات نموده و مسوده پروتستی را که او تعلیم داشت در باب مراجعت شاه مخلوع بنماید برای سر نیکلسن قرائت نمود. سر نیکلسن به میرزا مهدی خان اظهار داشت که هرگاه لطف نموده پروتست مزبور را بفرستد به او جواب داده خواهد شد. سفیر پس از آن سؤال نمود که آیا دولت اعلیحضرتی مایل خواهند بود که معناً مداخله نموده و به شاه مخلوع و سالارالدوله اعلام نمایند که در صورتی هم که موفق به مقاصد خود شوند آنها را نخواهند شناخت؟ عدم شناسایی آنها به این طور برای مایوس کردن هر دو آنها که باعث اختلال نظم [= اختلال نظم] و امنیت شده‌اند خیلی مؤثر خواهد بود.

سر نیکلسن به میرزا مهدی خان اظهار داشت که او البته این مسئله را به من راپورت خواهد داد ولی شخصاً تصور می‌نماید که چنین اظهارات از طرف دولت اعلیحضرتی اثر کمی خواهد داشت و بدون موافقت دولت روس نمی‌توانند چنین اظهاراتی بنمایند و هرگاه بکنند مثل آن است که مداخله نموده باشند و گفت لازم نیست به سفیر ایران اطمینان دهم که دولت اعلیحضرتی از احتمال تجدید جنگ داخلی در ایران بسیار اندوهگین می‌باشند و صمیمانه مایل بودند که نایب‌السلطنه توانسته باشد بدون مزاحمت و در کمال مسالمت در کاری که مشغول آن بود مداومت نماید. یا این بود که این هیجان که دولت اعلیحضرتی بآن مایل نیست به علت عدم حمایت ملی پیشرفتی حاصل نمی‌نمود و یا آنکه عموم آنرا تقویت نموده و پیشرفت می‌کرد.

بریطانیای عظمی در تمام رولوسیونها تا زمانی که جان و منافع اتباع انگلیس در مخاطره آجل نبوده است از هرگونه مداخله احتراز داشته است و آن دولت همین کار را اخیراً در ایران کرده و سر نیکلسن تصور می‌کرد که دولت مشارالیه‌ها حالا هم

همینطور خواهد کرد.

این عقیده شخصی او بود و آنچه در این باب گفته شده است او بمن راپورت خواهد داد.

امضاء گری

نمره - ۲۱۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ ژوئیت)

طهران ۲۳ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۶ رجب ۱۳۲۹]

دولت ایران مراسلات متحدالمال مبسوط در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران بعنوان سفارتین فرستاده است.

در این مراسله دولت ایران مرا از شکایاتی که درخصوص آنتریک [= آنتریک] های آن اعلیحضرت نموده بود متذکر ساخته گله می کند از اینکه من اقدامی ننمودم که با خواهش دولت ایران بر اینکه سردار ارشد از بادکوبه گذارده نشود به ایران ورود نماید موافقت نمایم و مراجعت شاه مخلوع را حمل به بی اعتنایی من در مورد اظهارات دولت ایران می نماید.

برحسب ماده یازدهم پروتکل و مناسبات دوستانه دولتین، دولت ایران [خود] را محق می بیند که از دولت اعلیحضرتی انتظار داشته باشد اقدامات لازمه برای منع آن اعلیحضرت و عمال او از تحریک هیجان در مملکت و اعمال اخیر سنالاردوله و مجلل السلطان که منجر به مراجعت آن اعلیحضرت گردید بنمایند.

مراسله مذکور جلب توجه مخصوص به وعده صریح روس برحسب ماده یازدهم پروتکل نموده و اخطار می کند که با بستن ها و حقوق آن اعلیحضرت برحسب آن ماده و ماده دهم عمل خواهد شد، و سلب مسئولیت از برای خساراتی که بعلت مراجعت آن اعلیحضرت در جهاز روسی وارد آمده نموده اظهار می دارد که دولت ایران اقدامات بسیار مؤکده و مؤثره برای جلوگیری از اغتشاشاتی که در صورت مداخله سریعتری از طرف دولت اعلیحضرتی وقوع آنها امکان ناپذیر بود می نمایند و اطمینان به موفقیت خود دارند.

در انتهای مراسله مذکور دولت ایران اظهار اطمینان می کنند که با این اوضاع غیرمترقبه دولت اعلیحضرتی همراهی لازمه معنوی نموده از هرگونه اغتشاشی که بواسطه شاه مخلوع آوانتوریرا و همراهان دسیسه کار وی بته ظهور رسد جلوگیری نمایند.

قسمت عمده این مراسله مربوط به دولت روس است و وزیر امور خارجه بالاراده این مطلب را برای من اظهار نموده و بطور عذرخواهی مرقوم داشته است که چون منم یکی از صاحبان امضای پروتکل بوده ام مجبور شده است آنرا برای من بفرستد.

(۱) اصل: دولت ایران را محق می نماید - م.

(۲) آوانتوریه (یر) = ماجراجو - حادثه آفرین - جنجال برانگیز. - م.

پنا بر این من نمی‌خواهم جوابی برای او بفرستم.

نمره - ۲۱۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ ژوئیت)

طهران ۲۳ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۶ رجب ۱۳۲۹]

ژاندارمری خزانه - مفاد تلگراف ۲۱ ژوئیت شما را به ماژور استوکس و مستر شوستر نوشته‌ام. ماژور استوکس کاملاً تصمیم نموده است که از شغل خود در قشون هندی استعفاء نماید در صورتی که در خصوص حقوق تقاعدی که برحسب کنتراتی که مجلس تصویب نموده است تغییرات بر وفق دلخواه وی بعمل آید.

مقصود از این تغییری که در مد نظر است این است که حقوق تقاعدی برای ماژور استوکس مقرر شود که مساوی باشد با حقوقی که او در عرض دو سال در قشون هند دریافت می‌نماید. تصویب مجلس لازم است.

از قراری که دریافت‌ام کابینه وزراء از ترس آنکه مبدا بواسطه تعیین او دولت روس هم دعوی شبیه باین بنماید الحال در موافقت با تقاضای خزانه‌داری کل و درخواست تصویب تغییر لازمه از مجلس تردید دارد.

نمره - ۲۱۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ ژوئیت)

طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

مراجعت شاه مخلوع - از قرار راپورت‌هایی که از قنسولات اعلیٰحضرتی رسیده مشهود می‌گردد که در عده‌ای از شهرهای معظم بطور حتم احساسات طرفدار محمدعلی میرزا است. این احساس بیشتر بواسطه این است که عموم از قصور دولت حاضر در استقرار و حفظ انتظامات مملکت ناامید شده‌اند و چندان بواسطه اعتماد بشاه نمی‌باشد.

هنوز تصور اینکه تا چه اندازه هیجان مشروطیت در طهران قوت دارد سخت است. چند نفر را دستگیر نموده‌اند.

نمره - ۲۱۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ ژوئیت)

طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

صدراعظم استعفاء نموده است.

نمره - ۲۱۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ ژوئیت) طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹] کفیل قنصلگری شیراز راپورت می دهد که جنگ غیر منظمی دوام دارد. عده مقتولین از طرف فرمانفرما از قرار مذکور سی و شش نفر می باشد. قشقایبها اتصالاً می آیند و دور حوالی اینجا خرابی می رسانند. از قرار معلوم دسترسی به آنها ممکن نیست. دیروز بعضی از آنها قهراً داخل باغ رئیس اداره دیگر شدند. کفیل قنصلگری بر حسب امر من صولت الدوله را بطور سخت متنبه می نماید.

نمره - ۲۱۸

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ ژوئیت) سنت پترزبورغ ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹] حاوی مضمون مراسله ذیل مورخه ۲۷ ژوئیت می باشد:

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که به مجرد وصول تلگراف ۲۲ شهر جاری شما من از کفیل وزارت امور خارجه ملاقات نموده و به او اطلاع دادم که در حالی که با او موافقت دارید بر اینکه صلاح است از هرگونه مداخله مسلحی در ایران احتراز شود شما تصور می نمایید که دولتین روس و انگلیس تا يك اندازه نسبت به حکومت حاضره مسئولیتی بر خود گرفته اند. دولت روس مخصوصاً در تحت پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ تعهد نموده است که هرگونه اقدامات لازمه برای منع انتریگهای پلتیکی شاه را که بنا بود در خاک آن دولت سکونت اختیار نماید بعمل آورد و به عقیده شما بنابراین وظیفه ما است که کاملاً بوضوح برسانیم که از این اقدامی که برای تحصیل تاج و تخت سلطنت نموده بهیچوجه رضایت نداریم.

ما در واقع مرهون نایب السلطنه و دولت ایران هستیم که اینکار را بکنیم و من اظهار داشتیم که خوب است ما این مقصود را انجام داده و آنها را از همدردی کامل و تقویت معنوی خود مطمئن سازیم.

مسیو نراتف در جواب اظهار داشت که چون دولت امپراطوری نمی توانند از رویه حالیه که عدم مداخله در امورات داخلی ایران بطور جدی باشد مسلک دیگری اختیار نمایند. این اقدام با آنچه آن دولت حاضر انجام آن هستند منافات دارد. این رویه ای است که دولت مشارالیه در زمان خلع شاه مخلوع اتخاذ نموده اند و از آنجایی که مایل بوده اند با دولت اعلیحضرتی موافقت نموده و بالاتفاق عمل نموده باشند از بکار بردن نفوذ خود در برقراری محمدعلی به تخت سلطنت استنکاف نموده و تا اندازه ای طرفدار استقرار حکومت مشروطه بوده اند و به واسطه این رویه مورد سرزنش و ملامت واقع گردیده اند که منافع انگلیس بر منافع روس تقدم و رجحان پیدا نموده است و هرگاه

می نمایند و آن دولت کار دیگری نمی توانند بکنند و آنجناب اظهار داشت می توانم شما را اطمینان دهم که بهیچوجه طرفدار شاه مخلوع نبوده و گمان می کنم رسیدن محمدعلی به طهران مشکوک باشد و هرگاه هم این کار را به انجام رساند یحتمل پس از مدت قلیلی مقتول خواهد گردید. من میل ندارم طرز حکومت حالیه به حکومت سابق مبدل شود و من برقراری حکومت حاضره را رجحان می دهم. اقدام یا اظهاری که با آن مساعدت داشته باشد مطلب دیگری است.

امضاء جارج بیوکانان

نمره - ۲۱۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ ژوئیت)

طهران ۲۵ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۸ رجب ۱۳۲۹]

بنا بر آنچه فهمیده ام عقیده من بر این است که احساسات اهالی طهران بطور سخت مخالف محمدعلی میرزا است. می خواهم علت استعفای سپهبدار را بیش از همه چیز توضیح دهم و آن این است که او می دانست بواسطه آنکه عموم تصور می کردند درصدد تهیه و آماده شدن برای مقاومت با آن اعلیحضرت نمی باشد اهالی همه جا از او متغیر می باشند. چند روز بود که مشارالیه در طهران نبود و در حدود سفارت روس در زرگنده سکونت اختیار نموده است.

نمره - ۲۲۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ ژوئیت)

طهران ۲۶ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۹ رجب ۱۳۲۹]

اوضاع کرمانشاه - در تعقیب تلگراف ۲۱ ژوئیت خود - تلگراف ذیل مورخه ۲۴ ژوئیت از طرف قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه مخابره شده: کفیل حکومت و نایب الحکومه از سالالدوله بر ایشان اوامر تلگرافی رسیده که به مشاغل خود مشغول باشند و نظمیه شهر سپرده به امیرالممالک باشد. دستجات مسلح از هر یک از عشایر برای همراهی با شاهزاده به داودخان ملحق می شوند. رئیس ایل کلهر به مسافت یک میلی کرمانشاه اردو زده است.

نمبره - ۲۲۱
 تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ ژوئیت) طهران ۲۶ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۹ رجب ۱۳۲۹]
 مصمصام السلطنه به مقام صدارت منصوب و کابینه خود را امروز صبح به مجلس معرفی نمود. هیئت وزراء اکثر از حزب دموکرات می باشند. وثوق الدوله وزیر امور خارجه است.

نمبره - ۲۲۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ ژوئیت)

طهران ۱۵ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۳ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۸ رجب ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که در جلسه ۲۹ ژون مجلس راپورتهای کمیته مالیه و کمیته وزارت خارجه در باب پیشنهاد وزارت تجارت برای استخدام پنج نفر مأمورین خارجه برای وزارتخانه های پست و تلگراف قرائت شد؛ وزارت تجارت برای استخدام از بلجیک پیشنهاد نموده بود، وزارت خارجه استخدام از سویس را توصیه نمود. وظایف مأمورین مذکور به قرار ذیل خواهد بود:

مدیرکل تلگراف از قرار سالیانه ۱۴۰۰۰ فرانک

مفتش پست و تلگراف از قرار سالیانه ۹۰۰۰ فرانک

مهندس کل از قرار سالیانه ۹۰۰۰ فرانک

رئیس کل پست برای جنوب ۹۰۰۰ فرانک

رئیس کل پست برای آذربایجان ۹۰۰۰ فرانک

نظر به تصمیم کمیته وزارت خارجه که مأمورین بایستی از سویس در عوض بلجیک استخدام شوند وزارت تجارت نقشه خود را باز گرفت که تجدیدنظری در آن بنماید.

نمبره - ۲۲۳

مکتوب سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ ژوئیت)

سنت پترزبورغ ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

آقا

افتخاراً اظهار می دارم که روزنامه نیم رسمی موسوم به روسیه در تاریخ ۲۲ شهر جاری مقاله ای اساسی در باب وقایع ایران طبع و نشر نمود. خلاصه آن به قرار ذیل است:

در روزنامجات روسی و خارجه اخیراً مطالب بسیار در باب ورود ناگهبانی شاه

نمره - ۲۲۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ ژوئیت) [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

هرگاه مجلس تعیین مازور استوکس را تصویب می کند دولت ایران ممکن است به او امر دهند که به جنگ شاه مخلوع برود.

نمره - ۲۲۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ ژوئیت) [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

تلگراف ذیل مورخه ۲۶ ژوئیت از جنرال قنصلگری مشهد رسیده است:

در اینجا شورش به وقوع رسیده ظاهراً این شورش بر ضد ادارات دولتی است ولی در معنی به تقویت محمدعلی میرزا است. اهالی شهر نسبت به شاه مخلوع احساسات همدردی دارند.

نمره - ۲۲۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ ژوئیت) [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

مراجعت شاه مخلوع به ایران

جنرال قنصل اعلی حضرتی مقیم مشهد در ۲۷ ژوئیت بقرار ذیل تلگراف کرده است: از قرار اطلاعات واصله محمدعلی میرزا با چهارصد نفر از ترکمنها شاهرود را قبضه نموده است و از آنجا استعداد زیادی به طهران می فرستد و خودش در شرف حرکت به طرف مازندران می باشد.

برای رئیس تلگرافخانه و رئیس قشون و متولی باشی و ایالت و بزرگت بجنورد از محمدعلی تلگرافات رسیده خطاهای گذشته آنها را عفو نموده و آنها را تهدید کرده است که در آتیه هرگاه مخالفت نمایند مجازات سخت بآنها خواهد داد.

شاه مخلوع تعهد به برقراری مجلس و ایجاد مجلس اشراف می نماید.

برحسب امر وزیر تلگراف از افشای تلگرافات مذکوره جلوگیری شده است.

نمره - ۲۲۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ ژوئیت) [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

دولت ایران مکتوباتی به سفارتین نوشته شکایت دارد از اینکه مأمورین محلی روس

از قبول و انجام درخواست کارگذار [= کارگزار] ایران مقیم عشق‌آباد برای توقیف دو نفر از جاسوسان شاه مخلوع که چنانچه در تلگرافات ۱۲ و ۱۷ ژوئیت راپورت دادم مأمورین محلی بادکوبه از آنها جلوگیری ننموده و از طرف عشق‌آباد می‌خواستند به ایران بروند امتناع ورزیده است.

نمره - ۲۲۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۲۸ ژوئیت شما - باید بطور واضح به ماژور استوکس فهمانید که قبل از آنکه داخل خدمت شود یا موظف به وظیفه‌ای از طرف دولت ایران شود باید از شغل خود در قشون هندی استعفاء نماید.

آیا با مشاغلی که او در تحت خزانه‌داری کل می‌خواهد بعهده گیرد چطور می‌تواند در نظام داخل شده و به جنگ برود؟

نمره - ۲۳۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

مراجعت شاه مخلوع - مسوده اظهارنامه‌ای را که می‌خواهیم برای دولت ایران بفرستیم من به کنت بنکندرف داده‌ام:

از آنجایی که شاه مخلوع برخلاف تعهداتی که به دولت ایران نموده و مخالف نصایحی که دولتین انگلیس و روس مکرراً به او داده‌اند که از هرگونه انتریک در ایران احتراز نماید عمل کرده است دولت انگلیس حق وی را به حقوقی که برحسب پروتکل برای او مقرر شده مسلوب می‌دانند. از طرف دیگر دولت انگلیس تصور می‌کنند که چون شاه مخلوع فعلاً در خاک ایران است نمی‌توانند مداخله نمایند.

علیهذا دولت انگلیس اظهار می‌دارند که در این کشمکش که بدبختانه در ایران بوقوع رسیده هیچ‌نوع دخالتی نخواهند کرد.

هرگاه همکار روسی شما هم حاضر است که از طرف دولت روس این اظهار بشود شما هم از طرف دولت اعلیحضرتی در این کار اقدام نمایید.

نمره - ۲۳۱

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

کنت بنکندر فامروز بانهایت تشویق در باب احتمال شرکت ماژور استوکس در اعمال نظامی در ایران صحبت داشت. هرگاه این مسئله بعمل آمد صاحبمنصبان روس هم ممکن است داخل خدمت طرف مقابل شوند و نتیجه ظهور نقض عهد بسیار بدبختانه مابین انگلستان و روسیه در مورد پولتیک آنها در ایران خواهد شد.

من او را از تلگرافی که می خواستم امروز برای سر جارج بارکلی بفرستم مستحضر داشتم. از قراری که فهمیدم هنوز برای ماژور استوکس مأموریتی تعیین نشده بود و موافقت داشتم با اینکه خوب نیست او در اعمال نظامی در ایران شرکت نماید یا آنکه هر اروپایی دیگری اینطور عمل نماید ولی صاحبمنصبان فرمانده ژاندارمری ایران بلاشک در اعمال نظامی بر ضد سارقین راههای جنوب شرکت خواهند داشت و مشکل است حدی برای اینکار قرار داد. من فکر می کنم ببینم چه می توانم بکنم.

امضاء گری

نمره - ۲۳۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ ژوئیت)

طهران ۲۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

کفیل قنصلگری شیراز راپورت می دهد که در ۲۷ ژوئیت یکی از سواران مستحفظ قنصلخانه هنگامی که با لباس رسمی از بانک مراجعت می نمود يك نفر از تفنگچیان قشقایی به فاصله صد ذراع [= ذراع] عمداً به او شلیک نمود ولی گلوله از نزدیک او گذشت.

من مکتوبی به دولت ایران نوشته اصرار نمودم که جلوگیری از اجحافات نیل [= ایل] قشقایی شود. به فرجه با اینستاد منتهی شده است. دولت ایران در این باره اقداماتی را در پیش گرفته است.

نمره - ۲۳۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ ژوئیت)

طهران ۲۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع کرمانشاه

در تعقیب تلگراف ۲۱ شهر جاری خود افتخاراً راپورت می دهم که شاهزاده سالار الدوله روز ۲۴ شهر از صحنه به طرف کرمانشاه حرکت نمود. قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه تلگراف می کند که داود خان رئیس ایل کلهر با شاهزاده همدست شده

است.

نمره - ۲۳۴

مأمورینی که در تلگراف فوق الذکر خود ذکر کردم هنوز در قنصلخانه اعلیحضرتی می باشند. مأمورین دیگر از کرمانشاه خارج گردیده اند. [۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

نمره - ۲۳۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ ژوئیت) طهران ۲۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹] راجع بتلگراف ۲۸ ژوئیت من: تلگراف ذیل از جنرال قنصل خراسان واصل گردیده است. شورش بسیار سخت - حده کثیری در مقامات متبرکه تقاضای برهم زدن کلیه ادارات دولتی و رجعت به ترتیبات قدیم را می نمایند. تیراندازی هم گاهگاهی می شود. چند نفری مقتول و مجروح گردیده اند.

نمره - ۲۳۵

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان وزارت خارجه ۲۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹] سفیر کبیر روس روز ۲۵ شهر جاری از سر آرتر نیکلسن استفسار نمود که آیا عمل تعیین ماژور استوکس بالاخره فیصله شده است؟ سر آرتر نیکلسن جواب داد که او نمی داند ولی دولت اعلیحضرتی به ماژور استوکس اعلام نموده که هرگاه این کار را قبول می کند بایستی از مأموریت خود در قشون هندی استعفاء نماید.

کنت بنکندرف گفت که مسیو نراتوف امیدوار است که دولت اعلیحضرتی بعلاوه به دولت ایران بگویند که با تعیین وی هیچ کار نخواهند داشت و هرگاه دولت روس در مقابل ماژور استوکس تقاضای تعیین کس دیگر را بکنند، آن دولت با تقاضای دولت روس همراهی خواهند نمود. مسیو نراتوف گمان می کرد خوب است دو سه نفر معلمین نظامی روسی اگر لازم باشد در خدمت ماژور استوکس قرار دهند.

کنت بنکندرف اظهار داشت روسها باید در مقابل تعیین يك نفر انگلیسی بریاست کل ژاندارمری تمام ایران که منطقه نفوذ روس هم جزو آن باشد جبرانی تحصیل نمایند.

نمره - ۲۳۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ ژوئیت)

طهران ۳۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۴ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۲۸ ژوئیت شما:

ماژور استوکس تصمیم نموده است که از عهده خود در قشون هندی استعفاء نماید و امیدوار است که نظر به آنکه خزانهدار کل او را جداً لازم دارد شما کاری بکنید که آنهایی که مربوط به کار هستند از ترتیبات و مرسومات معموله صرف نظر نموده و تلگرافاً [= تلگرافی] وی را از قبول استعفایش اطلاع دهند.

او نیز درخواست می کند که نظر به خدمت شانزده ساله او به اندازه ای که سزاوار است حقوق تقاعدی به او اعطاء گردد ولی هر طوری که در باب این مسئله تصمیم نمایند استدعا دارد که تأخیری در مخابره تلگراف قبولی استعفای او نشود.

نمره - ۲۳۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ۲۸ ژون ۱۹۱۱ [۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۱ رجب ۱۳۲۹]

آقا

افتخاراً راپورت می دهم که در جلسه ۲۴ شهری جاری مجلس به وزیر مالیه پیشنهاد نمود که چهار نفر امریکایی دیگر استخدام شوند که در تحت مستر شوستر در اداره مالیه مشغول کار گردند و کنترات آنها مثل آنهایی که استخدام شده اند سه ساله باشد. مجلس بدون مذاکره با این پیشنهاد موافقت نمود و در واقع بالاتفاق در این باب رأی داده شد. حقوق این چهار نفر به قرار ذیل خواهد بود:

یک نفر محاسب بجای مستر هیلز ۴۰۰۰ دلار

یک نفر معاون برای مستر شوستر ۲۵۰۰ دلار

یک نفر منشی برای مستر شوستر ۱۸۰۰ دلار

ایضاً یک نفر منشی برای مستر شوستر ۱۶۰۰ دلار

فعلاً چهار نفر مخصصین مالیه بقرار ذیل در طهران هستند:

مستر مورگان شوستر خزانهدار کل از قرار سالیانه ۲۰۰۰ لیرا

مستر کنز [= کرنز] مدیر مالیات از قرار سالیانه ۱۲۰۰ لیرا

مستر مکاسکی [= مک کاسکی] مفتش عایدات ایالات و ولایات ۱۰۰۰ لیرا

از قرار سالیانه

مستر دیککی مفتش مالیات از قرار سالیانه ۱۰۰۰ لیرا

مستر هیلز محاسب با اهل خانه خود وارد شد ولی به واسطه علت مزاج یکی از

بچه هایش عزم نمود که فوراً به امریکا مراجعت نماید و ظاهراً دیگر مراجعت نخواهد

کرد. از چهار نفری که فعلاً تصمیم شده است استخدام شوند یکی بجای وی خواهد بود.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۲۳۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ۱۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۹]

آقا

در مراسله غره شهر جاری خود در خصوص مناقشه مابین مستر شوستر خزانه دار کل امریکایی و مسیو مرنارد مدیر کل گمرکات بلجیکی راپورت دادم که مستر شوستر مکتوبی به مسیو مرنارد نوشته جلب توجه او را به قانونی که اختیارات خزانه داری کل را مشخص می نماید نموده و اظهار می دارد که تمام وجوهاتی که از گمرکات واصل می شود بدون وضع مصارف و تمام وجوهاتی که در بانک شاهنشاهی و بانک روس موجود است بایستی بحساب او (خزانه داری کل) منتقل گردد.

در ۳۰ شهر ماضی چون مسیو مرنارد به تعلیمات خزانه داری کل اعتنائی ننمود شورای وزراء کاغذی را که مستر شوستر به مسیو مرنارد نوشته بود تصویب نموده و تصمیم نمودند که وی را به اطاعت قانون مزبور دستورالعمل دهند. وزیر امور خارجه تعلیمات مذکوره را در ۵ شهر جاری برای مسیو مرنارد نوشت و مسیو مرنارد هم باز بحساب گمرکات چک بحواله بانک شاهنشاهی می داد.

از آن وقت تاکنون در امورات بهبودی حاصل شده است. در ۷ شهر جاری وزیر امور خارجه از مستر شوستر دعوت نمود که روز بعد در اجلاس کابینه وزراء حاضر باشد ولی همین که شنید می خواهند او را با مسیو مرنارد روبرو نمایند. مستر شوستر به وزیر امور خارجه جواب داد که حاضر نخواهد شد بعلت آنکه نمی توانست در باب این مسئله با مستخدمی که آشکارا با قانون اخیر مخالفت نموده است مذاکره کند. وزیر امور خارجه مکرراً از او دعوت نموده و اظهار داشت که مسئله بی اطاعتی مسیو مرنارد به قانون در میان نیست و علتی ندارد که مذاکره و مباحثه بشود. مستر شوستر بنا بر این اطمینان در آن اجلاس حضور یافت و مسیو مرنارد هم حاضر بود. وزیر امور خارجه این دو نفر را بیکدیگر معرفی کرده و پس از قدری صحبت ظاهراً رفاقت کاملی مابین آنها پیدا شد و از یکدیگر جدا شدند و از آنوقت تاکنون هر دو از نتیجه این ملاقات اظهار رضایت می کنند. بنابراین من اعتماد دارم که ممکن است تصور کنیم اینکار اصلاح شده است.

اینک سواد مراسله وزیر امور خارجه به مسیو مرنارد مورخه ۵ ماه ژوئیت را که در فوق اشاره به آن شد لفاً ایفاد می دارم و نیز سواد اطمینان کتبی که مستر شوستر به بانک شاهنشاهی داده و در تلگراف ۵ ژوئیت خود مذکور داشتم ایفاد می شود اطمیناناتی که به بانک روس داده شده هم بهمین طریق است.

امضاء: جارج بارکلی

ترجمه ملفوف يك نمره ۲۳۸

مکتوب وزیر امور خارجه ایران به مسیو مرنارد

۵ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۸ رجب ۱۳۲۹]

آقای مدیر کل

افتخار دارم بنام دولت علیه مفاد قانون ۲۳ جوزا ۱۳۲۹ را که راجع به تشکیل خزانه کل برای مملکت است لفاً ایفاد دارم. تا اندازه‌ای که بشما مربوط است روابطی که بایستی مابین اداره شما و اداره خزانه‌داری کل برقرار باشد به موجب این قانون معین می‌گردد. لکن در خصوص اجرای این قانون در خصوص این احوال توجه شما را به مواد قانون مزبور در خصوص تعلیمات خزانه‌داری کل جلب می‌نمایم و از شما استدعا می‌کنم مقرر دارید برحسب قانون آنچه از بابت گمرکات وصول می‌شود در حساب خزانه‌داری کل پرداخته شود و او دستورالعمل دارد که مقدم از همه آنچه از بابت محاسبات خارجه باید پرداخته شود و پرداخت آن تاکنون از وظایف اداره شما بوده بدهد. در خصوص این احوال در این مورد پیوسته یقین دارم شما با تشکیل اداره مالی جدید دولت علیه که برحسب قانون تأسیس شده همراهی کامل خواهید داشت. این را در این موقع بنام دولت علیه از خدمات عالی شما در اداره‌ای که به این خوبی اداره نموده‌اید اظهار رضایت تام می‌نمایم.

ملفوف دو نمره ۲۳۸

مکتوب مستر شوستر به بانک شاهنشاهی ایران

۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۷ رجب ۱۳۲۹]

آقا

در باب مذاکره‌ای که سابقاً در خصوص طریقه اداره کردن محاسبات صرافی دولت علیه در تحت قانون ۲۳ جوزای ۱۳۲۹ مجلس با هم نمودیم افتخار دارم که اظهارات خود را بطریق ذیل تصدیق نمایم: از آن جهت که در این مورد تمام وجوهاتی که از بنادر جنوب واصل می‌شود بدون وضع مصارف به حساب خزانه‌داری کل در بانک شاهنشاهی امانت گذارده خواهد شد و در دفاتر من بدون کم و کسر ثبت خواهد گردید تا آنکه تمام پولهایی که بر آن وجوهات تحمیل شده بآلتنامه پرداخته شود و از بابت این عایدات حواله داده نخواهد شد مگر آنچه برای مصارف حقیقی لازمه ادارات گمرک که بموجب کنترات اخیر قرضه تجویز شده لازم باشد. بهمین طریق تمام وجوهاتی که از شمال وصول می‌شود بدون وضع مصارف در بانک استقراری به حساب من امانت گذارده خواهد شد و در دفاتر من بدون کم و کسر ثبت خواهد گردید تا آنکه تمام پولهایی که بر آن وجوهات تحمیل شده پرداخته گردد. قصد من این نیست که به هیچ طریقی این عایدات مخصوصه را با وجوهات دیگر

علیه مخلوط سازم ولی برعکس قصد دارم که بطور دقت اینها را بطور رهن
 دس برای پرداخت وجه تحمیلاتی که بر آنها شده برقرار و محفوظ دارم.
 من حاضر و مشتاق بوده و هستم که تمام آنهایی که مثل شما به این کار مربوط
 هستند از تمامیت و مصونیت وثیقه‌ها و ضمانتاتی که دولت علیه در مقابل محاسبات
 مختلفه داده‌اند مطمئن سازم و قصد من این است که نه فقط مواظب باشم که این
 ضمانات صحیحاً برقرار بوده و تمام وجوهات مدیونی سر وقت پرداخته شود بلکه بعلاوه
 مواظبت نمایم که کلیه امورات مالیه دولت علیه طوری اداره شود که بر این وثیقه‌ها
 مع اعتبار عمومی مملکت افزوده شود.

خیلی خوشوقت خواهم بود که شما یا آنهایی که مثل شما مربوط به این کار هستند
 هر وقتی که می‌خواهند کسی را از طرف خود فرستاده دفاتر و طریقۀ دفترداری مرا
 که بواسطه آن امورات مالیه دولت اداره می‌شود امتحان نمایند.

امضاء: مرگان شوستر

نمره - ۲۳۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت) تهران ۱۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۹]
 مستر مرگان شوستر دو ماه پیش نیست که در طهران است و نفوذ او در اوضاع
 یکی از قوای عامله است. مجلس الحال بکلی فرمان بردار او است و پیشنهاداتی که از
 طرف او می‌شود در واقع باتفاق آراء تصویب می‌شود. آن روزی که در طهران
 جرات و جدیتی که يك دفعه بخرج داده و در صدد اصلاحات برآمده قابل تمجید است
 ولی نتایج پیشرفت بی‌باکانه‌ای که او می‌کند قابل تردید است.
 در همان يك دفعه که از شوستر ملاقات نمودم او کار خود را بکلی مربوط به مالیه
 دانسته و در این باب بیشتر سخن رانده و اظهار می‌کرد من داخل در سیاسیات نیستم.
 اگر مقصود او از این الفاظ این است که در امورات پلتیکی مداخله نخواهد کرد
 بایستی مقاصد او را تحسین نمود ولی به این طریق ساده که با اداره کل گمرکات
 داخل کشمکش شده و متعاقب آن ماژور استوکس را برای ژاندارمری خزانه تعیین
 نموده و در هر دو این اقدامات خود را در معرض مخالفت روس قرار داد از ادعای
 وی بعدم ارتباط به مسائل پلتیکی يك معنی تهدیدآمیزی تعبیر می‌شود و نشان می‌دهد
 که مشارالیه بعضی جزئیات پلتیک را که بهتر است در تحت ملاحظه آورد مراعات
 نمی‌نماید.

نمره - ۲۴۰

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ۱۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۹]

آقا

رجوع به مکتوب ۸ ماه گذشته من در باب وضع امنیت راههای جنوبی:

افتخار دارم راپورت دهم که کمارج را که در راپورت آخری خود شرحی از خطرناک بودن آن نوشتم چون ملاخورشیدخان سابق دوباره به مقام اولی خود در کمارج منصوب گردیده از نهم ژون به اینطرف دیگر خطرناک نیست و او از مقاصد غارتگری خود صرف نظر نموده و به بستگان خود اوامر مؤکده داده است که بهیچوجه به پسته یا قوافل دستبردی نزنند. فرمانفرما قصد دارد دوباره ملاخورشید را از کمارج خارج نماید ولی چون از ایل قشقایی کسی را ندارد که بتواند بر آن اعتماد نماید جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] گمان کرد شرط عقل آن است که ملاخورشید را به خانی آنجا بشناسد و ظاهراً کسی را که خود فرمانفرما نامزد نموده بود در ۷ ژون چهار لنگه قماش متعلق به اداره مستر زلیو نیکستن را سرقت نموده است و به این طریق ابقای ملاخورشید بالمضاعف اسباب رضایت است.

بنا بر راپورتهای هفتگی ۱۷ و ۲۴ ژون و غره ژوئیت که از جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان رسیده معلوم می‌گردد که ایاب و ذهاب قوافل مابین شیراز و اصفهان بتدریج رو به ازدیاد است. عموم دوباره اعتماد و اطمینان پیدا می‌کنند و بعلت تأخیر زیادی که در راه بختیاری واقع می‌شود تجار ترجیح می‌دهند که از راه جنوب مال‌التجاره خود را حمل نمایند. علت این تأخیرات به واسطه کمیابی حیوان باری است. اینجا در صدد هستند که از اهواز قریب شش هزار حیوان بدست بیاورند که برای حمل مال‌التجاره زیادی که از این راه حمل می‌شود کافی باشد و مال‌التجاره‌ای که بعلت احتیاجات خود بختیاریها محض کشمکشهای خانه‌خرا بکن آنها حمل آن از آن طرف امکان ندارد از این طرف حمل شود.

سرقتهای راه از بوشهر الی اصفهان که به وقوع پیوسته از قرار ذیل است: در ۹ ژون چهار بار قماش و یک صندوق تریاک قریب ۲۰ میلی شمال کازرون هفت الاغ با بار محمول قند و غیره در ۱۴ ژون نزدیک پل سیوند به سرقت رفت و به یک قافله محلی در ۲۴ همان‌جا حمله شد. همانروز در ۸ میلی بیرون شیراز قافله سرقت شد. سوارهایی که فرمانفرما فرستاد با سارقین چند تیر رد و بدل نموده و قسمتی از اشیاء غارتی را مسترد داشتند. بموجب تلگراف ۶ ژوئیت که از جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان رسیده معلوم می‌شود که کمپانی دیکسن راپورت داده‌اند که قافله محمول بارهای آنها در محلی قریب ۳۰ میلی جنوب اصفهان بواسطه حضور سارقین در راه توقیف شده است.

در ۵ و ۶ ژوئیت قوافل بزرگ محمول محصولات محلی در حدود نزدیک شیراز سرقت شده نظام‌السلطنه سوار به عقب آنها فرستاده سواران مذکور منهزم و فرمانده آنها

بطور سخت مجروح و یکی دو نفر مجروح گردیدند. در ۶ ژوئیت چند نفر سوار در نزدیکی قمشه هفت قاطر و بارهای آنها را بردند. من وزارت امور خارجه را از سرقتهای مهمه مستحضر داشته‌ام و به قرار معمول وعده می‌دهد که اقدامات لازمه خواهد شد. این مسئله ظاهر است که اقتدار نظام السلطنه هم در داخل و خارج شیراز رو به ضعف است.

راه مابین اصفهان و طهران در محلاتی که خارج از ایالت اصفهان است یعنی در جاهایی که نفوذ و حکمرانی حکومت اصفهان مشکوک است هنوز ناامن می‌باشد.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۲۴۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت) طهران ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم که خلاصه وقایع ماهیانه ایران را برای چهار هفته گذشته به طریق معمول لفا ایفاد درام.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمره ۲۴۱

خلاصه وقایع ماهیانه ایران از ۱۵ ژون الی ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۵ خرداد تا ۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ ج ۲ تا ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

طهران

کابینه وزراء - در ۱۵ ژون سپهدار صدراعظم بدون انتظار از طهران حرکت نمود و بطرف رشت رهسپار گردید. شرح مفارقت و مراجعت وی را به طهران در نهم شهر جاری علیحده راپورت داده‌ام. در ۱۲ ژوئیت کابینه سپهدار استعفاء نمودند.

مستخدمین امریکایی و غیره برای اداره مالیه

مجلس پیشنهادات مستر شوستر را برای استخدام مستخدمین ذیل تصویب نموده است:

- معاون رئیس اداره عایدات از قرار سالیانه ۴۰۰۰ دلار
- معاون رئیس اداره عایدات از قرار سالیانه ۴۰۰۰ دلار
- معاون رئیس اداره عایدات ۱۸۰۰ دلار
- معاون مفتش اداره عایدات ۱۶۰۰ دلار
- مؤسس ژاندارمری برای اداره خزانه ۵۰۰۰ دلار

صاحب‌منصب عایدات ۳۰۰۰ دلار
حقوق اروپاییانی که حالا در طهران هستند ۱۵۰۰ دلار

تبریز

ویس قنصل اعلیٰحضرتی در ۶ ژوئیت تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت می‌دهد که طوایف شاهسون و قراداغی تا یک ماه مشغول چپاول دهات و غارت قوافل و در این چند روزه اخیر راههای میانه و اردبیل مسدود و قوافل عبور و مرور می‌نمودند. مأمورین محلی بواسطه عدم پول و جدیت و بالاتر از همه عدم تقویت معنوی دولت اقدامی نمی‌کردند. از منابع دیگر راپورت داده شده که مجلال‌السلطان یکی از اجزاء معتمد شاه مخلوع که با وی تبعید گردید الحال با شاهسونها است.

اکنون ۱۸۰۰ نفر عساکر روس در اردبیل هستند و قشونی که برای سرکوبی اشرار فرستاده شده بود در نزدیکی آستارا به عساکری که در اردبیل بودند ملحق گردیده‌اند. علاءالدوله که برای ایالت آذربایجان انتخاب شده هنوز در طهران است و ظاهراً از حرکت به سمت تبریز بی‌میل است.

رشت

طوایف شاهسون و اهالی طالش با یکدیگر متحد شده و حاکم طالش را بیرون کرده یکصد نفر از قشون او را خلع اسلحه نموده‌اند.

سردار افخم بجای ظفرالسلطنه به حکومت استرآباد تعیین شده است.

طوایف ترکمن هنوز مشغول غارت و چپاول می‌باشند و از قسار معلوم مأمورین محلی و اولیاء امور در مرکز هیچ اقدامی نمی‌کنند.

ترکمنها اخیراً پست شاهرود را سرقت نمودند و معادل صد و چهل لیرا و پستچی را برده‌اند و چهار نفر از دهاتیان را مقتول و شش نفر را مجروح نموده‌اند. دهاتیان هم چهار نفر از ترکمنها را مقتول نموده‌اند.

سپهدار صدراعظم در اواسط ژون به رشت وارد شد و ستارخان و باقرخان به وی ملحق شدند. او در اوایل ژوئیت بطرف طهران مراجعت نموده.

مشهد

نیرالدوله به ایالت خراسان تعیین شده ولی هنوز در طهران است و ظاهراً میل ندارد مشاغل خود را به عهده گیرد.

اوضاع این ایالت که در تحت صاحب‌اختیار رو به بدی می‌رفت تا اندازه‌ای بهتر شده محمدعلی یاغی نیشابوری را قشونی که برای سرکوبی وی اعزام شده بود محاصره نموده و مقتول داشته‌اند. رشیدالسلطان که سیصد نفر دور خود جمع‌آوری نموده اداره

تلگرافخانه سبزوار را قبضه و دور و حوالی آنجا را غارت کرد. عساکر دولتی وی را مابین دامغان و شاهرود شکست داده و دوازده نفر از آنها تلف شد معتقدند که او

بطرف مازندران فرار کرده است.

سیستان

در اوضاع عمومی این ایالت تغییری حادث نشده راهها از قرار مذکور عموماً ناامن می‌باشند و مقدار زیادی مال‌التجاره در کوه ملک‌سیاه معطل شده و منتظر یک موقع امنی است که بطرف شمال حرکت داده شود. راپورت هجوم سخت بلوچها هم از قسمت جنوبی قائنات نزدیک نه در هفتم ژوئیت داده شد که همان روز مابین اجزاء حکومت و بعضی از اهالی دهات که از ترس بلوچها به شهر پناهنده شده بودند نزاعی واقع شد دو نفر مقتول و متجاوز از سی نفر مجروح گردیدند. طرفداران حشمت‌الملک محرک این شورش بودند.

اصفهان

اوضاع عمومی این ولایت بلا تغییر است. در خود اصفهان علماء هیجان مذهبی جدیدی در مردم انداخته‌اند و به یکی از مقامات متبرکه نسبت وقوع معجزه دادند مقصود آنها این است که نفوذی که بر مردم داشتند و از دست داده بودند دوباره بدست بیاورند و ظاهراً اقدامات آنها در مورد طبقات پست مردم پیشرفت زیادی نموده است. راههای یزد و سلطان‌آباد ظاهراً امن می‌باشند. دزدان هنوز راه طهران را از اصفهان به کاشان اشغال می‌نمایند. روز ۱۶ ژون پسته در نزدیکی خفر به سرقت رفت و ده قاطر با بار در ۴ ژوئیت مابین طرق و نطنز به سرقت برده شد و راپورت داده شد که بختیاریمهای نطنز راه قافله‌رو از روی تنگه قهرود را مسدود نموده یکی از مستحفظین راه را مقتول و دو نفر دیگر را مجروح گردانیدند. دو یست رأس قاطر را هم در قهرود توقیف نمودند.

دیگر خبری از جنگ مابین بختیاریمهای چهارلنگ و هفت‌لنگ بدست نیست و از اغتشاشات اخیر نتیجه معلومی برون آنکرده است. طوایف هفت‌لنگ می‌گویند که چهارلنگها تسلیم شده‌اند.

قم

در ۵ ژوئیت قافله در راه سلطان‌آباد نزدیک قم سرقت شد. در راه مستحفظی نیست و حکومت نمی‌تواند از طهران وجه برای گرفتن مستحفظ تحصیل نماید. شش نفر سوار بختیاری پسته را در ۳۰ ژون در ده نار که در راه کاشان واقع است به سرقت بردند.

یزد

فخرالملک حاکم جدید در ۳۰ مه وارد شد. تاکنون چیزی که دلیل بر قابلیت او باشد از او مشهود نگردیده است. از قرار راپورت در اوایل ژون چند فقره سرقت

در راه نائین الی اردستان و یزد الی مشهد و یزد الی فارس بوقوع رسیده. حکومت سعی دارد که اختیار مستحفظین راه را بدست خود گیرد ولی این را می‌توان حمل به میل او کرد که می‌خواهد پول زیادتری بوی رجوع شود.

لرستان

حاکم که چند صد نفر سوار بختیاری با خود دارد ظاهراً پس از قدری جنگ که برای استحکام اقتدار خود با الوار نمود بر آنها فایق آمده و قشون امدادی که خواسته بود امر داده است حرکت نکنند.

کرمان

قشونی که ایالت برای نظم بلوچستان فرستاده بود در دوازدهم ژون بدون آنکه بتوانند کاری از پیش ببرند به کرمان مراجعت کردند. عساکر مزبور بهرام‌خان را تا مدتی در قلعه فهرج محاصره نمودند ولی ورود سعیدخان و رؤسای مکران باتفاق یکمزار نفر باعث گردید که ترك محاصره او را نموده و به کرمان مراجعت نمایند به واسطه عدم موفقیت این قشون به جزئی اهمیت و اقتداری هم که دولت ایران در بلوچستان داشت ضربت شدیدی وارد آمده است.

سردار محیی که سال گذشته دخیل به اغتشاشات طهران بود به ایالت کرمان تعیین شده است.

کرمانشاه

یکی از جاسوسان مرتجعین علی‌قلی نام تازگی در کرمانشاه دستگیر گردیده و به طهران فرستاده شده است.

داودخان کلهر صمصام‌الممالک سنجابی را حمله نمود ولی همراهان صمصام‌الممالک در دو قلعه از خود دفاع نموده و بر او فایق آمدند. از همراهان داودخان یکصد نفر تلف شده‌اند. پس از تخریب یک مقدار اراضی باندازه پانزده میل مربع داودخان یکنفر را نزد سنجابیها فرستاده قرار صلح را داده و دو رئیس مذکور برای تصدیق امر صلح خود با یکدیگر ملاقات نمودند. داودخان وعده داده است که حکومت قصرشیرین را بعد از این به صمصام‌الممالک بدهد.

در اوایل ژون اکبرخان برادر معین‌الرعیای مرحوم با همراهان خود عسکر سلیم یکی از سرکردگان حزب مخالف حکومت را به قتل رسانیدند. این مسئله باعث موقع سختی در کرمانشاه گردید و برای حمله به یکدیگر جمع می‌شدند. کفیل حکومت به استقرار انتظامات موفق گردید و بازارها پس از سه روز که مسدود بودند مجدداً مفتوح گردیدند. اوضاع به همین‌طور مغشوش بود و چند نفر به قتل رسیدند. در ۶ ژوئیت سوءقصدی نسبت به سید اکبرشاه که یکی از علماء است شد و چندین نفر مجروح گردیدند. در ۸ بازارها دوباره مسدود گردیدند.

جمعی ادارات پلیس و عدلیه و تحدید تریاک و تلفونخانه را غارت کردند. اهالی به طهران تلگراف کردند که هرگاه اقدامی از طرف دولت نشود قهراً داخل یکی از قنسولخانه‌ها خواهند شد که آنها مجبوراً مداخله نمایند. در این منوال الوار در حدود کرمانشاه هجوم آورده و راههای سلطان آباد و ماهی دشت ناامن بودند. از قراری که راپورت داده شد مستحفظین راه از تمام قوافل بناحق پولهای زیاد می گرفتند.

شیراز

واقعه‌ای که به واسطه سربازهایی رخ داد که می خواستند در قنسولخانه اعلیحضرتی پناهنده شوند، به این منجر گردید که فرمانفرما از تمام آنها خلع اسلحه نموده و تمام افراد فوج را به اوطان خود معاودت داد.

خلیج فارس

بندر عباس

در اواخر مه راپورت داده شد که راه کرمان امن است ولی راه لار در نزدیکی لار ناامن است.

اهواز

قنسول اعلیحضرتی در ۲۸ ژون راپورت داد که از قرار خبر موثق او شنیده بود که پسر والی پشتکوه امان الله خان او را عزل و در ده بالا محبوس نموده است. پشتکوه آرام است.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۴۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوراد گری (واصله ۳۱ ژوئیت) طهران ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

آقا

راجع به مکتوب ۲۸ ژون خود افتخار دارم راپورت دهم که در ششم شهر جاری مجلس به هیئت اتفاق پیشنهاد وزیر مالیه را برای استخدام سه نفر خارجی دیگر که در تحت خزانه داری کل امریکایی باشد تصویب نمود.

یکی از این سه نفر بایستی تشکیل قوه‌ای برای ژاندارمری خزانه بدهد و موجب او برای این کار سالیانه پنجهزار دولار خواهد بود و چنانچه در تلگراف ۷ ژوئیت خود راپورت دادم مستر شوستر ماژور استوکس را برای این عهده انتخاب نموده است. وظایف معینه دو نفر دیگر مذکور نشده است. موجب آنها یکی سه هزار و دیگری هزار و پانصد دولار می باشد.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۲۴۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد کری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

آقا

سپهدار روز یکشنبه گذشته از رشت به طهران مراجعت نمود ولی بحرانی که به واسطه حرکت ناگهانی وی در روز ۱۵ ماه گذشته به وقوع رسید هنوز تمام نشده است.

در دهم شهر جاری نایب السلطنه نمایندگان حزب اکثریت و مخالف را ملاقات نموده از آنها استدعا نمود اختلافات میان خود را رفع کنند. اکثریت اظهار داشتند می خواهند سپهدار صدراعظم باشد - والا حضرت از آنها درخواست نمود که خودشان کابینه را تشکیل بدهند ولی دید که اکثریت یکلی در انتخاب اعضای آن مخالفت آراء داشتند و بالاخره از والا حضرت خواهش نمودند که کابینه را برای آنها انتخاب کند ولی او از اینکار سر باز زد.

دیروز وزراء استعفای خود را عرضه داشتند. حرکت سپهدار از رشت رفع تشویش خیال دوستداران حکومت حالیه را نمود چرا که اینطور احساس می شد که تا زمانی که او در رشت توقف دارد و املاک و اموال او باعث ازدیاد نفوذ وی در آنجا است ممکن است از خشم و تغیر بر ضد مجلس اقدامی نموده و به طرفداری و تقویت ارتجاع تحریک به اغتشاش نماید. بحران مطول کابینه و قصور حکومت در ابراز اقتدار در ایالات و ولایات اسباب تقویت هیجان ارتجاعی شده و در این تازگی صحبت و گفتگوی بکار بودن طرفداران محمدعلی در میان و حتی علامات آن هم مشهود گردیده است.

از قرار معلوم همین تازگی نظمیه يك انجمن ارتجاعی مخفی در طهران کشف نمود؛ اسم آن انجمن اتحاد اسلامی است. نظمیه در محلات آن داخل شده و ثبت اسامی دو هزار نفر را یافت و بسیاری از آنها از اشخاص معروف بودند. مجلل السلطان محبوب بزرگ شاه مخلوع که با آن اعلیحضرت تبعید شد از قرار راپورتی که رسیده به ایران مراجعت نموده و حالا با طوایف یاغی شاهسون می باشد و مکتوباتی از طرف محمدعلی شاه به آنها تسلیم نموده است.

ممکن است که مأموریت مجلل السلطان مربوط به اقدامات الارالدوله برادر شاه مخلوع باشد که چنانچه از خلاصه وقایع ماهیانه معلوم می شود در ضد تحریک هیجان و انقلاب در کردستان بوده است.

در بین این اوضاع بطور قطع مراجعت سپهدار به طهران اسباب تسکین خاطر اعتدالیون و دموکراتها می باشد و اینجا بهتر می توانند از وی جلوگیری نمایند.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۲۴۴

مکتوب میرزا مهدیخان به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

دولت متبوعه من مرا تعلیم داده است که جلب توجه دولت بریطانیای عظمی را به ورود محمدعلی میرزا شاه مخلوع ایران به کمشر تپه در خاک ایران بنمایم و بایستی آنجناب را به وقایع تابستان سال ۱۹۰۹ که منجر به پناهنده شدن شاه مخلوع در سفارت روس و پروتکلی که سر جارج بارکلی و سفیر روس در ۲۵ ماه اوت همانسال (۱۹۰۹) امضاء نمودند متذکر سازم.

دولت متبوعه من لازم نمی دانند جنابعالی را از مواد مختلفه این پروتکل متذکر سازند ولی می خواهند جلب توجه مخصوص شما را به ماده ۱۱ بکنند که بواسطه آن دولت بریطانیای عظمی و دولت روسیه تعهد نموده اند که اوامر مؤکده به شاه بدهند که برای همیشه از هرگونه تحریکات سیاسی بر ضد ایران احتراز نماید. دولت امپراطوری روسیه از طرف دیگر بموجب این پروتکل متعهد گردیدند که اقدامات مؤثره نموده نگذارند شاه مخلوع چنین تحریکاتی بنماید.

من بایستی دولت بریطانیای عظمی را از اظهارات مکرره سال گذشته دولت ایران به آندولت و دولت روسیه در باب حرکات شاه مخلوع و تحریکاتی که او بر ضد حکومت حالیه می نماید متذکر سازم. دولت متبوعه من بی اندازه متأسف هستند که اظهارات آنها بطور بی اعتنائی پذیرفته شده و نه دولت بریطانیای عظمی و نه دولت روسیه اقدامی ننموده اند که از این تحریکات جلوگیری شود. در عرض ماه گذشته توجه دولت متبوعه جنابعالی و دولت امپراطوری روسیه به اقدامات روزافزون محمدعلی میرزا و ورود فرستادگان او از راه روسیه به ایران جلب گردید باز هم اقدامی بعمل نیامد. نتیجه این شد که محمدعلی میرزا خود در کشتی روسی روز ۱۹ شهر جاری به ایران وارد شد.

نظر به واقعات فوق الذکر دولت متبوعه من مرا تعلیم داده اند که به دولت بریطانیای عظمی پروتست نموده اظهار بدارم که بر وفق پروتکل مذکور حقوق محمدعلی میرزا را از این تارپنج دیگر نخواهند داد و مسئولیت هرگونه خسارات یا صدماتی که به واسطه این واقعات وارد آید باید با دولتین باشد. من بعلاوه برحسب تعلیمی که دارم عرض می کنم که نظر به آنچه بوقوع پیوسته ماده دهم پروتکل (که راجع به مسئله بعضی پناهندگان است که در موقع تسطیر پروتکل در سفارت روس بودند برحسب ماده نهم پروتکل) اجراء خواهد گردید.

امضاء میرزا مهدی

نمره - ۲۴۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت) طهران ۳۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۸ مرداد ۱۲۹۰؛ ۵ شعبان ۱۳۲۹] اوضاع مشهد - در تمقیب تلگراف ۲۹ شهر جاری خود قنصل جنرال اعلیحضرتی مقیم مشهد در ۳۰ ژوئیت بقرار ذیل تلگراف می‌کنند:

شهر دوباره آرام است. قشون شاهرود که عده آنها به چهار صد نفر می‌رسد به محمدعلی میرزا ملحق شده‌اند.

نمره - ۲۴۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله غره اوت) طهران غره اوت ۱۹۱۱ [۹ مرداد ۱۲۹۰، ۶ شعبان ۱۳۲۹] حاوی مفاد مراسله ذیل مورخه ۳ اوت می‌باشد:

آقا

افتخاراً سواد مراسله‌ای که در تاریخ سی و یکم ماه گذشته برحسب تعلیمات مندرجه در تلگراف ۲۸ ماه گذشته شما به دولت ایران نوشته‌ام لفاً ایفاد می‌دارم. همکار روسی من هم در همان روز مکتوبی بهمان مضمون پس از بعضی جرح و تعدیل برای آن دولت فرستاد.

چنانچه ملاحظه خواهید فرمود من در این مکتوب ذکری از تعهدات شاه مخلوع به دولت ایران ننمودم علت اینکه از ذکر این مسئله صرف نظر کردم این بود که در تعلیماتی که برای همکار روسی من رسیده بود ذکری از آن نرفته بود.

ملفوفی نمره ۲۴۶

مکتوب سر جارج بارکلی به محتشم السلطنه طهران ۳۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۸ مرداد ۱۲۹۰؛ ۵ شعبان ۱۳۲۹] برحسب تعلیماتی که از طرف دولت اعلیحضرتی برای من رسیده افتخار دارم مطلب ذیل را خدمت جنابعالی عرض کنم:

چون شاه برخلاف نصایح مکرره دولتین انگلیس و روس که از هرگونه آنتریک [= انتریگ] در ایران احتراز نماید عمل کرده و به ایران مراجعت کرده است دولت انگلیس قبول دارند که شاه مخلوع حق خود را به حقوقی که برحسب پروتکل برای او تعیین شده از دست داده است. از طرف دیگر دولت انگلیس تصور می‌کنند که چون شاه مخلوع در خاک ایران است نمی‌توانند مداخله نمایند. علیهذا دولت انگلیس اظهار می‌دارند که در این کشمکش که بدبختانه در ایران بوقوع رسیده بهیچوجه دخالت نخواهند کرد.

نمره - ۲۴۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله غره اوت)
 طهران غره اوت ۱۹۱۱ [۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]
 اوضاع کرمانشاه

در تعقیب تلگراف ۲۹ ژوئیت خود قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه در ۳۱ ژوئیت
 بقرار ذیل تلگراف می‌کند.
 افتخار دارم راپورت بدهم که سالارالدوله به اتفاق قریب دو هزار نفر که قریب
 چهار هزار نفر هم از اهل اینجا با آنها ملحق شده‌اند دیشب وارد کرمانشاه شد و
 امروز تمام طبقات مردم را پذیرایی می‌نماید.

نمره - ۲۴۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله غره اوت)
 طهران غره اوت ۱۹۱۱ [۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]
 اوضاع شیراز

از قرار اطلاعاتی که از شیراز رسیده معلوم می‌شود که جنگ غیرمنظم و غارت
 طوایف قشقایی در شهر و دور و حوالی دوام دارد.
 تلگراف ذیل مورخه ۳۱ ژوئیت امروز از قنصل اعلیحضرتی رسیده است:
 دیروز کارگذار [= کارگزار] مرا اطلاع داد که نظام السلطنه را متنبه نموده‌است
 که هرگاه بخواهد آن قسمت شهر را که یافی شده‌اند غارت نماید بهانه برای مداخله
 دولت اعلیحضرتی خواهد بود.
 فرمانفرما در جواب گفته است که این مسئله مربوط به او نیست.

نمره - ۲۴۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
 وزارت خارجه غره اوت ۱۹۱۱ [۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]
 شما باید به دولت ایران اطلاع دهید که از ماژور استوکس درخواست شده است
 که قبل از آنکه مشاغل خود را در تحت خزانهداری کل بعهده گیرد باید از شغل خود
 استعفاء نماید. تعیین او بدون رجوع به دولت اعلیحضرتی بعمل آمده و لازم بود که
 ابتداء در این باب با آنها مشورت شود و باید به دولت ایران اشعار شود که استخدام
 ماژور استوکس در نظام در اقدامات نظامی عملی در شمال ایران ممکن است متضمن
 ملاحظات پلتیکی باشد و دولت اعلیحضرتی نمی‌توانند اعتراضاتی را که بر آن می‌شود
 رفع نمایند.

نمره - ۲۵۰

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه غره اوت ۱۹۱۱ [۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

سفیر ایران مکتوبی به سر آرتر نیکلسن در روز ۲۵ ماه گذشته داد (مواد آن در جوف است) و مجدداً اصرار نمود که دولت اعلیحضرتی باید قبول نمایند که لااقل به مناسبت مراجعت شاه مخلوع تقویت معنوی به دولت ایران بنمایند.

به ایشان گفته شد که دولت اعلیحضرتی از تجدید جنگ داخلی ایران اندوهگین می‌باشند ولی سر آرتر نیکلسن نمی‌داند آن دولت چطور می‌توانند مداخله مؤثری بنمایند یا آنکه حق این کار را داشته باشند. سر آرتر نیکلسن بعلاوه اظهار داشت که دولت اعلیحضرتی در باب موقع با دولت روس در مذاکره می‌باشند.

مهدی‌خان اصرار داشت بر اینکه چون شاه مخلوع در خاک روس پناهنده شده و از آنجا فرار نموده بود و از آنجایی که بریطانیای عظمی و روس هر دو پروتکل ۱۹۰۹ را امضاء نموده‌اند هر دو معناً وظیفه‌شان این است که او را از تحریک به اغتشاش بازدارند.

دولتین به عقیده من وقتی که شاه مخلوع در خاک روسیه بود ممکن بود اینکار را کرده باشند ولی الحال که او در ایران است و به سرکردگی همراهان خود مستقر می‌باشد بازداشتن او چندان فایده نخواهد داشت.

امضاء گری

نمره - ۲۵۱

مکتوب میرزا مهدی‌خان به سر ادوارد گری (واصله ۲ اوت)

سفیر ایران سلام به وزیر امور خارجه رسانیده افتخار دارد که خاطر آن جناب را به اظهاراتی که اخیراً چه شفاهی و چه کتبی در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران به وزارت خارجه کرده است متذکر سازد.

سفیر ایران مجدداً از دولت متبوعه خود تعلیم یافته است که به سر ادوارد گری اظهار نماید که دولت مشارالیه کاملاً به دولت بریطانیای عظمی اعتماد دارند که مراقب اجرای تمام شرایط ماده ۱۱ پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ باشند و از جمله مسائل دیگر در آن پروتکل مذکور است که سفرای دولت بریطانیای عظمی و روسیه خود را مقید می‌دانند اوامر مؤکده به محمدعلی میرزا بدهند که برای همیشه از اعمال هرگونه تحریک بر ضد ایران احتراز نماید. دولت روس بطور وضوح وعده دادند که اقدامات لازمه نموده نگذارند محمدعلی میرزا متشبث به اینگونه تحریکات سیاسی شود.

سفیر ایران در مراسلات سابقه خود مفصلاً در باب ماقع و طریقه سلوک دولت متبوعه خود اشاره نموده است. سر ادوارد گری فهمیده است که شاه مخلوع از روسیه

هبور کرده و در يك كشتی روسی وارد ایران شده است. با وجود آنکه دولت ایران مکرراً هم از بابت درکار بودن شاه مخلوع و ورود فرستادگان وی به خاک ایران به دولت امپراطوری روسیه اطلاع داده اند دولت بریطانیای عظمی هم توسط سر جارج بارکلی و سفیر ایران مقیم لندن از این مراتب مستحضر گردید دولت روس به عنوانات و اظهارات دولت ایران اعتنایی ننموده برخلاف آن اقدامات مأمورین محلی روس باعث تشویق حرکات شاه مخلوع شده است.

در عوض آنکه بنا بر استدعای دولت ایران طرفداران و فرستادگان شاه مخلوع را هنگامی که در خاک روسیه توقف داشت توقیف نمایند پس از ورود به ایران آنها را جبراً مستخلص می نمایند و مأمورین محلی ایرانی آنها را دستگیر می کنند. سفیر ایران ترجمه تلگرافاتی که از دولت متبوعه وی به او رسیده است برای سر ادوارد گری فرستاده است.

از تلگرافاتی که سفیر ایران اولاً در مسئله رشیدالملک در تبریز و دومی وضع سلوک جنرال قنسول روس مقیم گیلان و دومی در خصوص رفتار عساکر روس در تبریز به آنها اشاره نموده اولی در باب رشیدالملک در تبریز و چهارمی در موضوع پیغامی که ویس قنسول روس مقیم اردبیل برای نایب الحکومه و رئیس نظمیة آنجا فرستاده ثابت می شود که تا چه اندازه که اسباب تحیر است بر مداخله روس در ایران افزوده شده است. این مسئله لازم به مذاکره نیست که این اقدامات باعث تشویق یاغیان و تضعیف دولت ایران خواهد بود.

با اطلاع از همه این ترتیبات آیا برای دولت ایران امکان دارد که اهالی را از این عقیده که انقلابات سیاسی که حالیه در ایران در کار است بدون همدردی دولت روسیه است بازداشت در صورتی که مأمورین محلی روس اینطور آشکارا چنین اعمال را تشویق می نمایند؟

دولت ایران صمیمانه از دولت بریطانیای عظمی استدعا می نمایند که اولاً مراقب باشند ماده ۱۱ پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ جزئاً و کلاً اجراء شود ثانیاً آنکه به دولت روس اصرار شود که از مداخلات بسیار مهم مأمورین خود در ایران جلوگیری نمایند.

سفارت ایران لندن ۳۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۸ مرداد ۱۲۹۰؛ ۵ شعبان ۱۳۲۹]

ملفوف نمره ۲۵۱

ترجمه تلگرافاتی که از وزیر امور خارجه ایران رسیده است

(۱)

۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹] ایالت آذربایجان رشیدالملک حاکم سابق اردبیل را که مقصر خیانت به دولت بود توقیف نموده است. سفیر روس شفهاً اظهار داشت که چون رشیدالملک دارای نشان دولت روس است بایستی محترماً در حبس نگاهداشته شود و از وی تحقیق و تفتیشی نشود. ما جواب دادیم که رشیدالملک محترماً در حبس خواهد بود تا آنکه بطور دقت

از او محاکمه شود. این کار به انجام رسید ولی امروز تلگرافی از تبریز رسید مشعر بر اینکه جنرال قنسول روس مقیم آن شهر از نایب‌الایاله ملاقات کرده و از او درخواست استخلاص رشیدالملک را نموده است. نایب‌الایاله جواب داده است که چون رشیدالملک به حکم دولت توقیف شده او نمی‌تواند وی را بدون اجازه دولت مشارالیه مستخلص نماید. جنرال قنسول از منزل نایب‌الایاله خارج شده و کمی بعد از آن قریب سیصد نفر سرباز و قزاق روس داخل عمارت ایالتی شده با تفنگهای خود نایب‌الایاله را تهدید کرده و رشیدالملک را بردند.

اسباب تعجب است که دولت روس در این موقع باریک مهم از يك طرف اظهار بیطرفی نموده و اظهار بی‌میلی به مداخله و تصرفات در داخله مملکت می‌نمایند از طرف دیگر بدون عنوانی بما به میل خود در ایران رفتار می‌نمایند و اقداماتی می‌کنند که مخالف استقلال ایران و قوانین بین‌المللی می‌باشند. لطف نموده دولت بریطانیای عظمی را از این مراتب مستحضر دارید.

(۲)

۲۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

از قرار راپورتهای تلگرافی که از تبریز رسیده سربازان و قزاقان روس مزاحم هابرین کوچه‌ها شده و ظاهراً قصدشان این است که با اهالی طرف نزاع و جدال شوند.

(۳)

۳۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۴ شعبان ۱۳۲۹]

از طرف کمیته ایالتی گیلان تلگراف مفصلی رسیده خلاصه آن ذیلا مذکور می‌گردد: ایالت گیلان بکلی امن و آرام است. با وجود این قنسول روس اتصالاً مداخله نموده و تولید فساد می‌نماید و به ایالت گیلان رسماً اطلاع داده است که هر شخصی را که تصور می‌کند تبعه روس است در هر جا که باشد و با هر لباسی که باشد هرگاه نسبت به او سوءظن داشته باشد دستگیر و محبوس خواهد نمود.

قنسول دو مقصود دارد اول آنکه اتباع ایرانی را بدون آنکه دولت ایران مداخله نماید به بهانه اینکه تبعه روس می‌باشند دستگیر و محبوس نماید. ثانیاً آنکه این را وسیله دخول در خانه‌های مردم و تولید نارضایتی عامه و اغتشاش قرار دهد. او بعلاوه یکی یا دو نفر از طرفداران شاه مخلوع را (که تا مدتی در تحت حفاظت او بوده‌اند) تحریک نموده است که اسباب فساد فراهم آورند.

تمام اهالی گیلان نسبت به محمدعلی میرزا اظهار مخالفت می‌نمایند.

کمال غرابت را دارد که دولت روس در ظاهر به تمام دنیا و کلیه پارلمانها اعلان می‌کند که پلتیک آن منبى بر مداخله و تصرفات در ایران نیست و از طرف دیگر با فعالیت تمام مداخله می‌کند و عمال دولت مشارالیه در تمام نقاط مملکت تولید فساد می‌نمایند.

(۴)

۳۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۸ مرداد ۱۲۹۰؛ ۵ شعبان ۱۳۲۹] بر حسب راپورت تلگرافی که از اردبیل رسیده ویس قنسول روس مقیم آن شهر تاجر باشی روس را نزد نایب‌الحکومه و رئیس نظمیه فرستاده پیغام داده است که محمدعلی میرزا با قشونی مرکب از ۱۲۰۰۰ نفر به مسافت یک منزلی طهران رسیده است و قریب بیست میلیون پول نقد دارد و اعلان عفو عمومی نموده و استقرار انتظامات طهران را به سپهدار اعظم واگذار نموده و او هم قبول کرده است. این پیغام نیز مشعر است بر اینکه چون برای خود ویس قنسول تعلیمات رسیده که مواظب نظم شهر باشد او بنا بر این می‌خواهد به نایب‌الحکومه و رئیس نظمیه اصرار نماید که بعضی اقدامات نمایند مبادا نتایج آن مضر به حال خود آنها باشد.

نظر به اظهار بی‌طرفی که دولت روس می‌نمایند هیچکس نمی‌داند این اقدامات را به چه بایستی تعبیر نمود. لطف نموده این مطالب را فوراً به استحضار سر ادوارد گری رسانیده و خواهش جدی نمائید که دولت بریطانیای عظمی به دولت روس اصرار نمایند که از عمال خود جلوگیری نمایند که به این طریق رفتار نمایند.

نمره - ۲۵۲

ترجمه مکتوب مسیو سر استوپولو ۳ اوت ۱۹۱۱ [۱۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۸ شعبان ۱۳۲۹]

اظهاراتی را که دولت ایران در موضوع آنتریگ‌هایی که [انتریگ‌هایی که] به تقویت محمدعلی میرزا می‌شود نموده با دقت در تحت ملاحظه آورده‌ایم و شاه را باکمال سختی به لزوم احتراز از هرگونه اقدامی مخالف حکومت حالیه ایران متنبه نموده‌ایم. این اظهارات را نه فقط در موقع توقف شاه در روسیه نموده‌ایم بلکه در وقتی که او خارج از روسیه بود، اگرچه بنا بر پروتکل ۱۹۰۹ دولت امپراطوری مجبور نبود که در صورتی که او از خاک روسیه خارج باشد اینطور اظهار بوی بنماید.

دولت ایران تاکنون دلایلی برای اثبات مدعای خود ارائه ننموده و محمدعلی شاه همواره به عدم ارتباط خود با هرگونه تحریکی اصرار داشته است بنا بر این ظاهراً این مسئله معلوم بود که اشخاص دیگری که منافع او را در نظر داشتند بدون اطلاع وی این تحریکات را بعمل می‌آوردند.

در هر صورت لزوماً وظیفه دولت ایران و نه دولت دیگری است که بر علیه [علیه] هرگونه تحریکی مخالفت و مقاومت نماید. دولت ایران اقدامات خود را منحصر به شکایت بدولت امپراطوری نمودند بدون آنکه خود در حدود داخله مملکت اقدامی بنمایند.

این کار را لااقل در مورد تحریکات در میان طوایف ترکمن نمودند و هرگاه این تحریکات کار را بجایی رسانیده که قصد شاه مخلوع را به تصرف تاج و تخت

امکان پذیر نموده است تقصیر خود دولت ایران است.

دولت امپراطوری بنا بر اظهارات دولت ایران در باب حضور عمال محمدعلی میرزا در بادکوبه مخصوصاً اقدامات فوری نمودند. اظهارات دولت ایران در خصوص اینکه عمال مذکوره را مأمورین محلی دستگیر نموده‌اند از طرف مأمورین محلی تصدیق نشده و از تفتیشات نظمیه محرکین مزبوره کشف نگردیده‌اند.

اما از بابت مسافرت شاه از روسیه که در این اواخر مدتی زیاد در خارجه توقف داشت و دولت امپراطوری نمی‌توانست مراقب حرکات وی باشد، این مسئله مشهود است که از قوه دولت امپراطوری خارج بود طوری مواظب او باشد که این مسافرت بدون مقدمه و با لباس مبدل را بنماید. به همین طور باید اظهار شود که دولت ایران هم اقدامی ننمودند که از ورود شاه به خاک ایران جلوگیری شود اگرچه در واقع ظهور وی در خاک ترکمنها ظاهراً اسباب بیم و وحشت بود.

دولت امپراطوری نمی‌توانند این مسئله را از مد نظر دور بدارند که در عرض دو سالی که از زمان حرکت محمد علی گذشته دولت ایران هیچ اقدامی برای استقرار نظم و امنیت مملکت ننموده‌اند. بحرانهای اتصالی کابینه وزراء و کشمکش تأسفانگیز پارتیها و امورات و مشاغل بی‌نتیجه مجلس که در عرض این دو ساله در کار بوده باعث تقویت و تهیه علل انتریگهای شاه مخلوع و مراجعت وی گردیده است.

با این اوضاع امکان ندارد دولت امپراطوری دولت ایران را از مسئولیت خساراتی که ممکن است به علت ظهور محمدعلی شاه به اتباع روس وارد آید معاف بدانند و آن دولت را همواره مسئول هرگونه خسارات که بواسطه اغتشاشات داخلی ایران به منافع عمومی یا خصوصی روس وارد آید مسئول خواهند دانست.

نمره - ۲۵۳

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۳ اوت) حاوی مضمون مرامله ذیل است که مورخه سیم اوت می‌باشد:

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که روزنامه نوورمیا امروز مقاله‌ای در باب ماژور استوکس که پیشنهاد شده است برای فرماندهی ژاندارمری جدید خزانه ایران انتخاب شود طبع و منتشر نموده است. عنوان این مقاله این است: «یک درهم پیچیدگی غیر مطلوب». در ابتدای این مقاله شرحی در باب پیشنهاد مستر شوستر مذکور گردیده و سپس موقع رئیس ژاندارمری را با موقع صاحب‌منصبان روسی که در استخدام دولت ایران می‌باشند تطبیق نموده است. روزنامه مذکور تصور می‌کند انتخاب ماژور استوکس برای سرکردگی قشونی که بایستی به جنگ شاه مخلوع اعزام شود برای ادامه مناسبات حسنه مابین انگلیس و روس بدون تطبیق خطرناک‌تر از شرکت صاحب‌منصبان روسی در وقایع دو سال قبل طهران می‌باشد. در آن موقع کسی صاحب‌منصبان روسی را

مخصوصاً دعوت ننموده بود که بر ضد مخالفین پلتیکی به جنگ بروند. همین که اغتشاش به وقوع رسید وظیفه‌شناسی و ملاحظه شرف آنها را مجبور نمود که در مقامات خود جا گرفته و بدون ملاحظات پلتیک یکی از دو طرف متنازع از آنجاها خارج نشوند. ولی ماژور استوکس مخصوصاً استخدام می‌شود که به سرکردگی افواج يك فرقه بر ضد فرقه دیگر قیام نماید.

این اقدامی که او می‌خواهد بکند کاری نیست که یکنفر صاحب‌منصب انگلیسی بایستی بکند زیرا که او در این مورد بطور ۱۰۰٪

بعلاوه صاحب‌منصبان روسی فقط می‌توانستند در منطقه‌ای که برحسب معاهده روس و انگلیس در تحت نفوذ روس قرار داده شده اقدامات بنمایند و حال آنکه ماژور استوکس خارج از منطقه‌ای که برحسب معاهده در تحت نفوذ انگلیس قرار داده شده اقدامات می‌نماید.

تا مدتی که معاهده ۱۹۰۷ روس و انگلیس مجری می‌باشد دولت روس خود را مجاز نمی‌داند که در واقعاتی که در منطقه انگلیس به وقوع می‌رسند خود را دخیل سازد. بهمین‌طور دخالت صاحب‌منصبان انگلیسی در اقدامات نظامی در شمال ایران قانونی نبوده و تحمل‌کردنی نیست.

دولت روس نمی‌خواهد دولت ایران را از استخدام یکنفر آوانتوریر مانع شود ولی به شرکت و دخیل بودن يك دولت دوستی در این تعیین اعتراض می‌نماید اگرچه این دخالت بطور غیرمستقیم باشد.

روزنامه نوورمیا باز می‌نویسد: ماژور استوکس آدم غیرمهمی نیست و آتاشه‌میلیتر انگلیس در طهران است و او نمی‌تواند بدون رضایت وزارت جنگ انگلیس از شغل خود استعفاء نماید. به این طریق دخول ماژور استوکس در استخدام دولت ایران بلاشک بکلی بسته به میل دولت انگلیس است. هرگاه دولت انگلیس تصویب نمی‌کند آتاشه میلیتری که در استخدام او است داخل يك کار مهمی شود که تهدید مظلم نمودن مناسبات حسنه موجوده مابین انگلستان و روس نماید ماژور استوکس پس بایستی استعفاء خود را مسترد دارد. هرگاه از طرف دیگر استعفاء او قبول شده است دولت انگلیس بایستی نشان دهند که از قبول استعفاء او تعهد آن دولت به عدم مداخله سیاسی در منطقه نفوذ روس حسب‌الشرط تعبیر می‌گردد.

در این مقاله اشعار شده است که دولت روس فقط برضد مقام رسمی ماژور استوکس و موافقت دولت انگلیس با تعیین جدید او اعتراض می‌کند و گرنه در مقام عدم رسمیت برای آن دولت ابدأ فرق نمی‌کند که او باین عهد تعیین شود یا دیگری.

روزنامه نوورمیا در انتهای مقاله خود اهمیت بسیار به اتحاد انگلیس و روس داده و اجرای شرایط آن را با احتیاط تمام لازم می‌داند. جمله آخری این مقاله این است: «حادثه ماژور استوکس تا آن اندازه که مربوط به معاهده ۱۹۰۷ می‌باشد ممکن است

باعث تحدید حدودی در مناسبات مابین انگلیس و روس گردد که بالتساوی مضر بحال طرفین باشد.»

امضاء: جارج بیوکانون

نمره - ۲۵۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۳ اوت ۱۹۱۱ [۱۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۸ شعبان ۱۳۲۹]

ژاندارمری خزانه

لطف نموده رجوع به تلگراف ۳ اوت خودتان کنید.

هرگاه ماژور استوکس از شغل خود استعفاء کند برای ما مشکل بل غیرممکن است او را از استخدام در تحت دولت ایران مانع شویم ولی من موافقت دارم که دولت روس حق آنها دارند که هرگاه او در منطقه شمال ایران داخل کاری شود اعتراض نمایند. هرگاه دولت روس بخواهند در باب تعیین او به نقطه‌ای از شمال ایران به دولت ایران اعتراض نمایند به سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران دستورالعمل داده خواهد شد که به دولت ایران اطلاع دهند که دولت انگلیس هم از آنجایی که این اعتراض مناسبی است و انتظار آن می‌رفت نمی‌توانند آنها را رد نمایند.

نمره - ۲۵۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۴ اوت ۱۹۱۱ [۱۲ مرداد ۱۲۹۰؛ ۹ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۲۰ ژوئیت شما در باب سرقتهای راه شیراز الی اصفهان: من تصور می‌کنم شما دولت ایران را مسئول قرار داده‌اید.

نمره - ۲۵۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت)
طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹]

شیراز - فرمانفرما را از طهران خواسته‌اند و رئیس قشون شیراز به نیابت حکومت تعیین شده است.

کفیل قنصلگری شنیده است که فرمانفرما از قبول این اوامر سر باز زده است.

نمره - ۲۵۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت) طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹] از قراری که راپورت داده شده شاه مخلوع در اشرف که در راه ساری پایتخت مازندران است می‌باشد. نمی‌دانم استعداد او چقدر است ولی از قراری که جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد شنیده است او عده کثیری از اراذل و اوباش را دور خود جمع نموده است.

نمره - ۲۵۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت) طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹] راجع به تلگراف ۴ اوت شما: من فوراً به دولت ایران اطلاع داده استدعای فرستادن تعلیمات فوری برای استرداد اجناس کمپانی دیگلر نمودم و شرط کردم که در صورتی که مسترد نشود وجه قیمت آنها را بدهند.

نمره - ۲۵۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت) طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹] راجع به تلگراف ۲۴ ژوئیت من: شیراز - صولت‌الدوله اوامر مؤکده به ایل خود داده است که از غارت احتراز نمایند.

نمره - ۲۶۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ اوت) طهران ۶ اوت ۱۹۱۱ [۱۴ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۱ شعبان ۱۳۲۹] راجع به تلگراف ۵ اوت من: شاه مخلوع به ساری وارد شد.

نمره - ۲۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی وزارت خارجه ۶ اوت ۱۹۱۱ [۱۴ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۱ شعبان ۱۳۲۹] راجع به تلگراف ۲۳ ژوئیت شما: من با اینکه جوابی برای نوت مذکور لازم نیست داده شود موافقت دارم.

نمره - ۲۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ اوت) طهران ۷ اوت ۱۹۱۱ [۱۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ شعبان ۱۳۲۹] افتخار دارم ملاحظات ذیل را در باب تعیین ماژور استوکس و احتمال مداخله روس در ایران بنمایم:

اگر محمدعلی میرزا به طهران بیاید یحتمل عده‌ای از ترکمنها یا سایر طوایف یاغی همراه او خواهند بود و خطر آنها بیشتر از خطر بختیاریها در موقع رولوسیون خواهد بود. هرگاه دولت روس در این اوضاع لزوم اعزام عساکر خود را به پایتخت اصرار نمایند من عرض می‌کنم که خواه ژاندارمری آنوقت وجود داشته یا نداشته باشد برای ما مشکل خواهد بود که مدلل داریم جان و مال اروپاییان بدون آنها مأمون خواهد بود.

نمره - ۲۶۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی وزارت خارجه ۷ اوت ۱۹۱۱ [۱۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ شعبان ۱۳۲۹] واضح است که هرگاه ماژور استوکس برای کنترل ژاندارمری شمال ایران تعیین شود مسئله مهم پلتیکی تولید خواهد شد. بایستی دولت ایران را متنبه نمود که باید مسئله تعیین وی را موقوف بدارند مگر آنکه قصد کنند او را در شمال ایران به کار وادارند و دولت اعلیحضرتی حق دولت روس را خواهند شناخت که منافع خویش را در شمال حفظ نماید در صورتی که دولت ایران با این شرایط در تعیین وی اصرار نمایند.

نمره - ۲۶۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی وزارت خارجه ۷ اوت ۱۹۱۱ [۱۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ شعبان ۱۳۲۹] ماژور استوکس را اطلاع دهید از انتباهی که شما تعلیم دارید بموجب تلگراف امروز من به دولت ایران بدهید هرگاه دولت روس مداخله نماید دولت ایران بهیچوجه نمی‌توانند برای تعیین استوکس اصرار نمایند مگر آنکه تعیین وی برای نقاط شمالی محصور گردد.

ما نمی‌توانیم از مداخله آن دولت برای جلوگیری این کار ممانعت نماییم. همان طوری که در صورتی که کنترل طرق جنوبی به روسها واگذار شود ما حق ایراد داریم اگر کنترل ژاندارمری شمال ایران به او واگذار شود آنها همان حق را خواهند داشت.

نمره - ۲۶۵

مکتوب سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۸ اوت) سنت پترزبورغ ۴ اوت ۱۹۱۱ [۱۲ مرداد ۱۲۹۰؛ ۹ شعبان ۱۳۲۹] آقا

راجع به تلگراف دیروز من: افتخار دارم راپورت دهم که روزنامه نوورمیا مقاله دیگری در موضوع ماژور استوکس در روزنامه امروز صبح خود بطبع رسانیده است. در ابتدای مقاله نویسنده خوانندگان را متذکر می‌گرداند که در ماه مه گذشته شاهزاده ایرانی شاهرخ داراب‌میرزا که در استخدام دولت روس بود و فرماندهی یک ستیبه در یکی از رژیم‌های قزاق را داشت تصمیم نمود که در امور پلتیکی ایران داخل گردد و اجازه مرخصی گرفته ستیبه خود را در قزوین گذارد استعفاءنامه خود را فرستاد و علم طغیان بر ضد دولت مرکزی برافراشت ولی دولت روس بنا بر تعقیب پلتیک عدم مداخله در امور ایران از قبول استعفای او امتناع ورزیده و حتی قشون به عقب او فرستاد که وی را مجبور به مراجعت نمایند و استعفای او تا زمانی که به همراهی مستحفظین شخصی در خاک روسیه وارد شد (که حالا هم آنجا است) قبول نگردید. دولت روس به این طریق با شاهزاده ایرانی که در استخدام وی بود و می‌خواست در امور پلتیکی ایران دخالت نماید رفتار نمود ولی ماژور استوکس آتاشه میلتر سابق مقیم طهران یکنفر صاحب‌منصب انگلیسی است و شاهزاده ایرانی نیست و بنابراین عمل نمودن با او خیلی سهل‌تر و ساده‌تر است. اگر دولت انگلیس نصف آن قدری که دولت روس معاهده ۱۹۰۷ را مراعات می‌نماید به آن اهمیت بدهند آن وقت می‌توان انتهای بازیهای ماژور را بطور صحت پیش‌بینی نمود و او را نمی‌گذارند از کار کناره‌گیر و به او اطلاع می‌دادند که نباید در امری که مربوط به خود او نیست مداخله نماید. هرگاه با وجود این ترتیبات از کارکناره می‌گرفت قشون هندی که در سفارت انگلیس طهران می‌باشند بایستی همانطوری که قزاقان ایرانی با شاهزاده مذکور عمل نمودند با او هم رفتار کنند و او را دستگیر نمایند ولی البته کار به اینجا نمی‌کشید فقط يك کلمه از طرف سفیر انگلیس کافی بود که صاحب‌منصب مذکور را از دخول در استخدام دولت ایران به مقامی که با روح و مفهوم معاهده انگلیس و روس مباینت دارد منع نماید.

روزنامه نوورمیا اظهار امیدواری می‌نماید که دولت اعلیحضرتی هر قدر بتوانند از این اقدام جسورانه مضحك جلوگیری نمایند. در انتهای مقاله اینطور مرقوم است: هرگاه محمدعلی ماژور استوکس را دستگیر و شقه نماید دولت انگلیس چه خواهند کرد؟ یحتمل آن دولت آنوقت بیاد خواهند آورد که او یکی از اتباع دولت انگلیس است ولی آیا بهتر نیست که این مسئله را حالا بخاطر بیاورند؟ امضاء جارج بیوکانون

(۱) معنی دقیق این واژه دریافته نشد ولی در زبان روسی واژه‌ئی همانند دارد که از آن معنی واحد یا ستون نظامی دریافته می‌شود. - م.

نمره - ۲۶۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۸ اوت)

طهران ۸ اوت ۱۹۱۱ [۱۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۹]

از قراری که راپورت داده شده شاه مخلوع فعلا يك هزار نفر و سه عراده توپ در
سناری همراه خود دارد قشون دیگری در تحت سردار ارشد از راه شاهرود بطرف طهران
در حرکت است قنسول روس مقیم استرآباد راپورت می دهد که دسته قشون دوم پس از
جنگ سختی با يك دسته از قشون دولتی وارد دامغان گردیده است.

نمره - ۲۶۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

ماژور استوکس - شما باید کفیل وزارت امور خارجه را از آنچه من دیروز در
مجلس مبعوثان اظهار داشتم مستحضر دارید و علاوه نمایید که تا زمانی که جوابیه
دولت ایران نرسیده تعیین وی به عهده تعویق خواهد بود و یحتمل نظر به اظهارات
آخری ما بکلی تعیین وی موقوف شود. شما ممکن است اظهار نمایید که اگر موقوف
نشد ما در صورتی که دولت روس تقاضا نماید که ژاندارمری شمال ایران باید در
تحت صاحبمنصب روسی یا تبعه یکی از دول صغار که خود آن دولت معرفی نماید قرار
داده شود با تقاضای آنها تقویت خواهیم نمود. اگرچه تعیین يك نفر صاحبمنصب که
تبعه یکی از دول صغار باشد برای فرماندهی تمام ژاندارمری به عقیده من بهترین
راهی برای حل مسئله خواهد بود.

نمره - ۲۶۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۸ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف غره اوت شما - بنا بر تعلیمی که در دوم اوت داده بودید اظهارات
لازمه را بطور یادداشت به وزیر امور خارجه نمودم. جناب معظم الیه [= معظم له]
وعده جواب کتبی داد و جوابیه مزبور حالا به من رسیده است. این جوابیه در
جوابیه مشعر است بر اینکه دولت ایران قصد ندارند ماژور استوکس را در اقدامات
نظامی بکار وادارند. اما در باب شمال ایران که من مذکور داشتم در جواب می گویند که وصول مالیات
همان اندازه که در جنوب ایران لازم است در شمال هم لازم می باشد و در نظر دولت
ایران مابین این دو قسمت مملکت فرقی نیست.

نمره - ۲۶۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

ماژور استوکس و ژاندارمری خزانه - در جواب تلگراف ۷ اوت شما افتخار دارم راپورت دهم که بر طبق تعلیمات شما مطالب را بطور یادداشت به وزیر امور خارجه رسانیدم و وعده جواب کتبی دادند.

در ضمن صحبت من به وزیر امور خارجه ارائه طریق نمودم که هرگاه خدمات ماژور استوکس محصور به جنوب ایران شود حل مشکل تواند شد. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] در جواب اظهار داشت که دولت ایران نمی‌توانند این ارائه طریق را بپذیرند.

واضح است که دلیل مطالب ایشان این است که محصور نمودن مشاغل او مثل شناختن مناطق نفوذی است که در معاهده انگلیس و روس مذکور است.

نمره - ۲۷۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز - در تعقیب تلگراف ۵ اوت، من افتخار دارم راپورت دهم که دولت ایران حالا تصمیم نموده‌اند که نظام السلطنه را از شیراز باز نخواهند و بنابراین او به مقام فرمانفرمایی شیراز باقی خواهد بود.

نمره - ۲۷۱

مکتوب سر ادوارد گری به میرزا مهدی‌خان

وزیر امور خارجه دولت اعلیحضرتی به سفیر ایران سلام رسانیده و افتخار دارد وصول مکتوب ۳۱ ماه گذشته او را در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران اطلاع دهد.

در باب اشاره‌ای که در این مراسله به اجرای ماده ۱۱ پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ شده است سر ادوارد گری افتخار دارد اشعار نماید که شرایط آن کاملاً منظور گردیده تا آنقدری که مکرراً به محمدعلی‌میرزا امر داده شده است که از هرگونه آنتریک [= انتریگ] بر ضد دولت حالیه ایران احتراز نماید. الحال که شاه مخلوع در حقیقت وارد خاک ایران شده مسئله اعمال و اقدامات او جزو مسائل پلتیکی داخلی ایران شده که دولت اعلیحضرتی هیچ دلیلی برای مداخله در دست ندارند و حتی اگر ممکن بود که به واسطه انتباه جدیدی او را از این کار بازدارند در محلی که الحال ورود نموده است این کار مثل مداخله در امور داخلی ایران است.

در باب اقداماتی که نسبت به مأمورین محلی روس داده شده است دولت اعلیحضرتی

تصور می‌نمایند که این مطالب خارج از وظایف آنها است و نمی‌توانند در آن باب اقداماتی بنمایند. دولت اعلیحضرتی را اطلاع داده‌اند که به وکلاء و عمال خود مقیم ایران دستورالعمل داده‌اند در این کشمکش مابین دو طرف متخاصم بیطرفی صرف اختیار نمایند.

وزارت خارجه ۱۰ اوت ۱۹۱۱ [۱۸ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ شعبان ۱۳۲۹]

نمره - ۲۷۲

مکتوب کمپانی لاید به وزارت خارجه (واصله ۱۱ اوت)

اداره صرافی دولتی ۱۰ اوت ۱۹۱۱ [۱۸ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

بنا بر تعلیمی که دارم استدعا می‌کنم که اظهارات ذیل کمیته لاید در باب سرقت‌های متوالی اجناس که در طرق جنوبی ایران به وقوع رسیده به عرض وزیر امور خارجه برسانید.

کمیته من دریافته‌اند که چندی قبل دولت انگلیس متعهد گردید که مستحفظین برای حفظ اجناس که در راه‌های مزبوره حمل می‌شود برقرار دارد و تجار منچستر قبول نمودند که مخارج این مستحفظین را به واسطه تأدیه اضافه مالیات در بنادر خلیج فارس پردازند. از قراری که حالا مذکور می‌گردد این قرارداد به انجام نرسیده و علیهذا غالباً سرقت اجناس به وقوع رسیده و تجار بنا بر این شرط عقل ندانسته‌اند اجناس خود را بداخله مملکت حمل نمایند و نتیجه این شده است که مقداری زیاد مال التجاره ورودی در بنادر مختلفه خلیج فارس جمع شده است.

از قراری که کمیته من مطلع گردیده‌اند در اوایل هفته گذشته اخبار تلگرافی دیگر از بابت سرقت‌های جدید در طرق جنوبی واصل گردید و سارقین نود و نه لنگه اجناس تجارتي را به سرقت برده‌اند.

وقوع این سرقتها نه فقط تجارت انگلیس را فلج نموده بلکه متضمن خسارات عظیمه به تجار انگلیسی و کمپانی‌های بیمه انگلیسی است و کمیته لاید از سر ادوارد گری استدعا می‌نمایند ملاحظه نمایند آیا وقت آن نرسیده که اقدامات دیگری در این باب بشود؟

امضاء ادوارد پوتک

نمره - ۲۷۳

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ اوت)

سنت پترزبورغ ۱۱ اوت ۱۹۱۱ [۱۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۶ شعبان ۱۳۲۹]

حاوی مضمون ملخص مکتوب ۲۲ اوت می‌باشد:

در باب تلگراف ۹ شهر جاری شما افتخار دارم راپورت دهم که در ضمن صحبتی که

روز دهم شهر جاری با کفیل وزارت امور خارجه داشتم من جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را از اظهاراتی که شما دو روز قبل از آن در مجلس مبعوثان نموده بودید مستحضر داشتم توضیح نمودم که تا زمانی که جواب اظهارات سر جارج بارکلی به دولت ایران از طرف دولت مشارالیه‌ها نرسیده مسئله تعیین ماژور استوکس به عهده تعویق خواهد بود. من علاوه نمودم که هرگاه دولت ایران برخلاف انتظار شما من در ندهند دولت اعلیحضرتی تقویت خواهند نمود دولت روس را اگر تقاضا نماید که ژاندارمری شمال ایران در تحت امر یکنفر صاحب‌منصب روسی یا تبعه یکی از دول صغار که دولت روس معرفی نماید قرار داده شود. چون مسیو نراتف اظهار داشت من نگفتم دولت اعلیحضرتی چه خواهند کرد هرگاه تعیین ماژور استوکس به جنوب ایران محصور نشود. من اشعار نمودم که اگر دولت روس کنترل ژاندارمری شمال ایران را برای خود تحصیل نمایند طبعاً از ماژور استوکس جلوگیری خواهد شد که در منطقه روس تخطی ننماید.

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۲۷۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ اوت) طهران ۱۲ اوت ۱۹۱۱ [۲۰ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۷ شعبان ۱۳۲۹] راجع به تلگراف ۸ شهر جاری من - اخبار ذیل به سفیر روس رسیده است: سردار ارشد و رشیدالسلطان با هم متحد شده‌اند و سردار ارشد فعلاً به سمتان که در صد و بیست میلی طرف مشرق طهران واقع است رسیده است. یک دسته از عساکر دولتی قریب ۱۴۰۰ نفر که به طرف فیروزکوه در حرکت است احتمال دارد با قشون طرف مصادف شود. محمدعلی به بارفروش رسیده است و قصد دارد که در ۱۲ اوت به طرف طهران حرکت نماید. او قشون زیادی با خود دارد و از قرار معلوم تقدینه وافر هم همراه دارد. سالارالدوله از کرمانشاه حرکت نموده است. پس از آنکه مبلغ زیادی جبراً از مردم گرفته با عده کثیر از همراهان خود به طرف کرمانشاه رهسپار گردیده است.

نمره - ۲۷۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ اوت) طهران ۱۲ اوت ۱۹۱۱ [۲۰ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۷ شعبان ۱۳۲۹] مراتب ذیل مفاد جوابیه دولت ایران به یادداشتی است که در تلگراف ۹ اوت خود ذکر نموده‌ام:

دولت ایران مقاصد و روش دولت اعلیحضرتی را راجع به تعیین ماژور استوکس

نمی‌توانند بفهمند.

حتی اگر فرض شود که دولت انگلیس بخواهند اساس اعتراضات خود را معاهده انگلیس و روس قرار دهند که دولت ایران در مراسله دوم نوامبر ۱۹۰۷ وضعیت خود را نسبت بآن تعیین نموده‌اند يك کلمه که اعتراضات آنها را تصدیق نماید در آن یافت نمی‌شود.

برخلاف شرایط مندرجه در مقدمه آن معاهده که با عبارات صریحه استقلال و تمامیت ایران را مراعات نموده نقطه نظر دولت ایران را تقویت می‌نماید. در مقدمه بعلاوه اظهار شده است که دولتین خواهان نظم ایران هستند و میل دولت ایران این است که اقدامات لازمه برای وصول مالیات بنمایند که بدون آن استقرار نظم در هر مملکتی کمال اشکال را دارد.

دولت ایران اطمینان دارند که دولت اعلیحضرتی واسطه خواهند شد که این مسئله را با ملاحظه شئون و منافع حیاتیه دولت ایران حل نمایند.

وزیر امور خارجه همین که این جوابیه را بمن داد ارائه طریق نمود که برای حل مشکل تعیین مازور استوکس ممکن است به سه سال محدود گردد و شرط شود که تعیین ری برای بعدها سابقه نخواهد شد. در انتهای این مدت ژاندارمری خزانه به ایرانیان یا اتباع یکی از دول صغار سپرده خواهد شد و اظهار داشت که هرگاه این شرایط موجب رضای دولت روس نمی‌باشد او تصور می‌کند که اگر دولت روس به اظهارات اخیر وی جواب مساعد بدهند ممکن است اظهار نماید که اگر تعیین استوکس بهانه و دست‌آویزی برای هرگونه تقاضا از طرف دولت روس نشود او را شخصاً برای اقدامات نظامی در شمال ایران نخواهند فرستاد که با مشاغل وی در طهران مباینت داشته باشد.

نمره - ۲۷۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ اوت)

طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۱ [۲۱ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ شعبان ۱۳۲۹]

در موقع شام دیشب که مخصوصاً برای دعوت مستر شوستر ترتیب داده شده بود من و همکار روسی اول دفعه بود که با مستر شوستر مذاکرات شفاهی بطور آزاد نمودیم. سفیر امریکا هم حضور داشت.

همکار روسی و من لزوم عمل نمودن شوستر را بر وفق روح و مفهوم معاهده انگلیس و روس اصرار نمودیم و به او اطمینان دادیم که با این شرایط از او تقویت کامل خواهیم نمود و سعی نمودیم به او بفهمانیم که تعیین مازور استوکس به فرماندهی ژاندارمری مالیه ملی مخالف روح معاهده می‌باشد و او را متذکر ساختیم از انتباهاتی که در باب استخدام مستشار از اتباع دول معظمه به دولت ایران داده‌ایم.

شوستر ما را اطمینان داد که در تعیین استوکس به این مقام او بهیچوجه تصور

نمی‌کرد که این کار مورد قبول دولتین واقع نخواهد شد و اطمینانات کامل به ما داد که بر وفق معاهده عمل خواهد نمود و با نهایت اصرار برای تعیین استوکس استدعا نمود که مشاغل او به جنوب محصور نشود و اظهار داشت می‌تواند ما را اطمینان دهد که او را در اقدامات نظامی در شمال بکار و نخواهد داشت و مشغول تشکیل ژاندارمری در طهران خواهد بود و اشعار داشت که مدد و همراهی استوکس در این کار تا مدتی برای او بسیار لازم می‌باشد و فعلاً کسی دیگر پیدا نمی‌شود که از عهده انجام این کار بتواند برآید. بعلاوه اظهار داشت که هرگاه ما بخواهیم تقاضای وی را برای استخدام استوکس رد نماییم وضعیت او با مجلس که صریحاً بما اطلاع داد آنرا طوری بکار خواهد برد که مناسبات حسنه بر وفق معاهده فیما بین دولت ایران و دولتین منظور گردد با شدت تمام متزلزل خواهد گردید و وعده داد که تا مادامی که استوکس در تحت امر او باشد او از تمایلات ضدروسی خود کاملاً جلوگیری خواهد نمود و مکرراً و از صمیم قلب به سفیر روس اصرار نمود که سعی نموده بر مخالفت دولت روس فایق آید.

سفیر روس بی‌فایده سعی نمود به شوستر بضمیمه کند که چنین اقدامی نتیجه نخواهد داشت و با کمال ادب و استقامت امتناع نمود از اینکه به دولت متبوعه خود نصیحت نماید وضع سلوک خود را تغییر دهند.

شوستر بر ما معلوم نمود که استخدام استوکس آنقدر برای او لزوم داشت که هرگونه تقاضایی را که دولت روس در عوض بنمایند تقویت خواهد نمود ولی سفیر روس اشعار داشت که کدورتی که از فشار دولت روس برای پیشرفت تقاضاهای خود حاصل خواهد شد اسباب پیشرفت کار محمدعلی خواهد گردید. بنابراین شرط عقل این است که از تعیین استوکس بکلی صرف نظر شود.

صحبت ما چون نتیجه‌ای از آن گرفته نشد و ما را همواره مشکوک داشت از اینکه آیا شوستر در باب تعیین استوکس چه رویه‌ای را اتخاذ خواهد نمود همینقدر اسباب این شد که مناسبات فیما بین ما و شوستر بیک اساس مطلوبی مستحکم گردید و تا اندازه‌ای رفع نگرانی ما را از اقدامات بی‌باکانه او نمود.

نمره - ۲۷۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ اوت)

طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۱ [۲۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ شعبان ۱۳۲۹]

دیروز مراسله‌ای از طرف نایب‌السلطنه در مجلس قرائت و به اتفاق آراء تصویب گردید.

نایب‌السلطنه در مراسله خود اشعار می‌دارد که تاکنون اختلاف آراء و آمال و آرزوهای موهومی و عدم حکمت عملی چرخ حکومت و اداره مملکت را از کار بازداشته به طوری که کابینه وزراء اتصالاً تغییر نموده و وزرای یک روزه نتوانسته‌اند برای

مملکت کاری بکنند و اوضاع حالیه نتیجه این بی ثباتی است. هرگاه تجربیات گذشته اسباب عبرت نشود در همین نزدیکی اسباب پشیمانی برای مملکت خواهد بود.

در باب مناسبات خارجی نایب السلطنه تأسف دارد از اینکه هیچ کاری برای بهبودی آن بعمل نیامده با وجودی که او مکرراً در این باب توصیه نموده است و اقدامی ننموده اند که از اظهارات دوستی نمایندگان خارجه که در موقع ورود او مشهود می داشتند استفاده شود.

والاحضرت اصرار دارد بر اینکه بایستی فوراً اقدامات مجدانه برای اصلاح این غفلت کاریها بشود و بعهدۀ کابینه است که پروگرام مفصلی برای انجام این مقصود پیشنهاد نمایند.

نایب السلطنه در انتهای مراسله خود آنها را متنبه می نماید که هرگاه موقع حالیه و اهمیت مطالب او را در تحت مذاقه جدی قرار ندهند از کار کناره خواهد گرفت و بهیچ وجه او نمی تواند ناظر این اوضاع حزن انگیز که مملکت به آن دوچار گردیده است باشد.

نمره - ۲۷۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ اوت)

طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۱ [۲۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ شعبان ۱۳۲۹]

حرکات شاه مخلوع - لطف نموده به تلگراف ۱۲ اوت من رجوع فرمایید.

یک دسته از قشون محمدعلی میرزا چنانچه جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد راپورت می دهد از طرف قشون دولتی در فیروزکوه شکست خورده و شصت نفر از ایشان مقتول گردیدند و رشیدالسلطان سرکرده آنها مجروح و دستگیر گردید.

نمره - ۲۷۹

مکتوت سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ اوت)

سنت پترزبورغ ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

در مراسلات سابق افتخار داشته ام در خصوص مطالب مطبوعات روسی در موضوع تعیین ماژور استوکس برای فرماندهی ژاندارمری که دولت ایران خیال دارند برای مقاصد خزانه تشکیل دهند راپورت دهم. حتی روزنامه نوورمیا دولت اعلیحضرتی را سخت تنقید می کند برای اینکه می گذارند کسی که آتاشه میلیتر بوده از شغل خود استعفاء نماید برای آنکه بفرماندهی قشونی منصوب گردد که اقدامات آن تا منطقه نفوذ روس منبسط خواهد بود و یا آنکه در جنگ داخلی که خارج از منطقه نفوذ انگلیس در کار است شرکت نماید. تعیین وی که ناقض معاهده مذکور است روزنامه

نوورمیا می‌ترسد بطور سخت منافی با پیشرفت معاهده انگلیس و روس بطور توافق باشد.

سایر مطبوعات که نماینده عقاید مراکز مستبده و ضدآلمان می‌باشند آشکارا اظهار داشته‌اند که الحال که دولت انگلستان ورقهای بازی خود را نشان داده است دولت روس بطور آزادی می‌تواند عمل نماید و مختار است که به قوه قهریه برای حفظ منافع خود در شمال ایران مداخله نماید.

در مراکز رسمی هم به همین‌طور از این تعیین مذمت نموده‌اند اگرچه کاملاً معلوم است که دولت اعلیحضرتی از اعمال این نقشه‌هایی که به دولت مشارالیه نسبت می‌دهند که می‌خواهند از دولت روس جلو افتاده و پایگاهی در منطقه نفوذ روس در شمال ایران برای خود بدست آرند بگری می‌باشند.

در وقتی که مستر شوستر در اوایل ماه ژوئیت تصمیم نمود تشکیل ژاندارمری‌خزانه را به عهده ماژور استوکس واگذار نماید که برای تمام ایران ژاندارمری تشکیل دهد من فواید عمده‌ای که محتمل است از ایجاد چنین قوه حاصل گردد برای مسیو نراتف توضیح نمودم و به همین‌طور صفات و خصوصیات ماژور استوکس را برای تشکیل و فرماندهی این قشون برای وی اظهار داشتم. مسیو نراتوف در جواب با عقیده تشکیل چنین ژاندارمری موافقت داشت ولی اعتراض داشت بر اینکه در تحت امر يك نفر صاحب‌منصب انگلیسی قرار داده شود و ارائه طریق نمود که فرماندهی آن بایستی یا تقسیم شود به این قسم که يك نفر صاحب‌منصب انگلیسی و يك نفر روسی فرماندهی آنرا داشته باشند و یا آنکه به تبعه یکی از دول صفار مثل سوئد واگذار شود و به علاوه از آنجایی که مستر شوستر می‌خواست ماژور استوکس را تعیین نماید و او به واسطه بدرفتاری با مدیر کل گمرکات (بدون آنکه با دولت انگلیس یا روس مشورت نموده باشد) خود را مورد بی‌میلی او قرار داده بود جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] نمی‌توانست با مقاصد وی همراهی نماید.

شکل و وضع غیرمترقبه‌ای که امورات ایران بواسطه مراجعت محمدعلی پیدا کرد تا مدتی توجه مسیو نراتوف را به مسائل دیگر منعطف نمود و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] ابتدا اینطور فهمیده بود که بحران مهم داخلی که دولت ایران را دچار نموده بود باعث خواهد گردید که مسئله مناقشه مابین مرنارد و شوستر در باب اداره نمودن گمرکات و مسئله ژاندارمری خزانه بعهده تعویق خواهد افتاد. وقتی که از تصمیم مجلس در باب حقوق ماژور استوکس معلوم گردید که دولت ایران تصمیم نموده‌اند که بهر طریقی که باشد او را استخدام نمایند و یحتمل او را در اقدامات نظامی که بنا بود بر ضد شاه مخلوع بشود در شمال ایران بکار وادارند جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] توسط سفیرکبیر روس مقیم لندن بدولت اعلیحضرتی در این باب مذاکره نمود.

در دوم همین ماه مسیو نراتوف مجدداً در ضمن صحبت با من در این باب اشاره کرده پس از آنکه استفسار نمود آیا من می‌توانم به ایشان بگویم که در آن مسئله تا

چه اندازه پیشرفت حاصل گردیده جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] به من اظهار داشت که سفیر روس مقیم طهران دولت ایران را اطلاع داده است که در صورتی که تشکیل ژاندارمری به ماژور استوکس واگذار گردد دولت روس هم تقاضایی شبیه به آن پیشنهاد خواهند نمود.

چون تلگراف غره‌ا شما به سر جارج بارکلی همان روز برای من رسید من برای مسیو نراتوف توضیح نمودم که تعیین ماژور استوکس بدون مراجعت به دولت اعلیحضرتی بعمل آمده و دولت مشارالیه‌ها لازم می‌دانستند در این باب قبلاً با آنها مشورت شده باشد و اظهار داشتم که به سر جارج بارکلی الحال تعلیم داده شده است به دولت ایران اطلاع دهد که از ماژور استوکس درخواست شده بود که قبل از قبول این کار از شغل سابق خود استعفاء نماید و به آنها اشعار نماید که از آنجایی که بکار بردن او در هرگونه اقدامات نظامی در شمال ایران ممکن است متضمن ملاحظات پلتیکی باشد دولت اعلیحضرتی نمی‌توانند هرگونه اعتراضی که بر علیه آن بشود رد نمایند و بعلاوه مذکور داشتم که هر زمان که ماژور استوکس از شغل خود استعفاء نماید دولت اعلیحضرتی دیگر نمی‌توانند بکار او مداخله نمایند.

این توضیحات به هیچوجه مسیو نراتوف را متقاعد ننمود و از وضع صحبت او معلوم بود که تعیین استوکس را او فعلاً بی‌موقع می‌داند اما در باب اینکه صاحب‌منصب مذکور برای اقدامات نظامی بر ضد شاه مخلوع بکار برده شود جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] توجه مرا به اقدامی که دولت روس سال گذشته در مورد شاهزاده داراب میرزا که آنوقت در قشون روس داخل و به فرماندهی يك ستیبه قزاق در قزوین منصوب بود جلب نمود و گفت که چون خواست از کار خود استعفاء نماید و سعی نمود که بر ضد دولت حاضره قیام کند دولت روس او را دستگیر و به روسیه فرستادند جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] می‌خواست ظاهراً به من بفهماند که بهترین طریقه‌ای که خوب است دولت اعلیحضرتی در مورد ماژور استوکس اتخاذ نماید این است که از قبول استعفای وی امتناع نموده و او را به انگلستان احضار نمایند.

پس از طبع مقاله مزبور در روزنامه نوورمیا که ترجمه آن را در مراسله ۳ شهر جاری برای شما ارسال داشتم من مجدداً از مسیو نراتوف ملاقات نموده و بر وفق تعلیمات تلگرافی ۳ شهر جاری شما توضیح نمودم که برای دولت اعلیحضرتی مشکل بل غیرممکن است اگر ماژور استوکس از کار خود استعفاء نماید او را از قبول استخدام در تحت دولت ایران منع نمایند و عقیده شما بر این است که دولت روس می‌توانند اعتراض بر علیه [= علیه] بکار بردن او در شمال ایران بنمایند و هرگاه آن دولت بخواهند شما این اعتراض را بنمایید شما به سر جارج بارکلی دستورالعمل خواهید داد به دولت ایران اطلاع دهد که دولت اعلیحضرتی نمی‌توانند اعتراض دولت روس را رد نمایند و خوب است دولت ایران اعتراضاتشان را منظور دارند.

درحالی که برای اظهار مطالب شما اظهار تشکر می نمود مسیو نراتف اظهار داشت می ترسد هرگاه دولت روس چنین پروتستی بنماید دولت ایران جواب دهند که ابدأ خود را مربوط به معاهده انگلیس و روس که به موجب آن ایران به مناطق نفوذ انگلیس و روس منقسم گشته ندانند و او در این باب فکر خواهد کرد ببیند ممکن است فورمولی برای حل مشکل پیدا کرد که دولت متبوعه او آن را تقویت نماید؟

مسیو نراتف روز بعد مرا خواسته و دوباره در باب تشویش خیالی که از این مسئله برای او حادث شده بود مذاکره نموده تأسف داشت از این که تعیین استوکس با اصولی که دولتین تاکنون از روی آن عمل نموده اند مبیانت دارد که نگذارند تبعه یکی از دول معظمه مقام مهمی را در استخدام دولت ایران اشغال نماید و اشعار داشت به اینکه در موقعی که دولت مشغول کشمکش برای حیات خود می باشد آنها چندان در باب ژاندارمری که بایستی تشکیل شود تفکری ننموده و استوکس را با هر قدر استعدادی که بتواند تشکیل دهد برای جنگ با شاه مخلوع به شمال ایران خواهند فرستاد و عقیده او این بود که بایستی بهر قسمی که ممکن باشد از این کار ممانعت نمود و ارائه طریقی را که روز قبل نموده بود تکرار کرد که بایستی دولت اعلیحضرتی ماژور استوکس را موقتاً به لندن احضار نمایند و بتصور او قبل از آنکه بتواند خود را از استخدام در قشون خارج نماید بایستی بعضی مراسم و ترتیبات را طی کند و همین مسئله بهانه و دست آویزی برای این اقدام خواهد بود.

هرگاه دولت اعلیحضرتی نمی توانند بر وفق ارائه طریق عمل کنند مطلقاً لازم خواهد بود که دولتین يك اقدامی بکنند که هم اسباب رضایت عقاید عامه این مملکت را فراهم آورده و هم باعث استحکام منافع آنها در ایران باشد.

جناب معظم الیه [= معظم له] سپس مسوده دو مراسله را که سواد آن در جوف است برای من قرائت نمود و ارائه طریق نمود که سفرای روس و انگلیس مقیم طهران علیحده برای دولت ایران بفرستند.

دولت روس در مراسله خود برضد تعیین ماژور استوکس پروتست خواهد نمود و اظهار خواهد داشت که دولت روس این اقدام را يك قسم رفتار مخالف دوستی دانسته و حق اعمال هرگونه اقدامی که برای حفظ منافع خود در ایران لازم بداند برای خویش محفوظ خواهد داشت.

دولت انگلیس در مراسله خود موافقت تامه با پیشنهادات مراسله روس اظهار کرده و حق روس را برای اعمال اقدامات لازمه در راه حفظ منافع آن دولت خواهد شناخت. من اشعار نمودم ممکن است برای دولت اعلیحضرتی اشکال داشته باشد که با مکتوبی که در واقع تهدید به مداخله مسلح نماید موافقت کامل نمایند و پیشنهاد نمودم که دولت روس خوب است برعلیه [= علیه] استخدام ماژور استوکس در شمال ایران پروتست نموده و به دولت ایران اظهار دارند که حاضرند يك نفر صاحب منصب روسی را در استخدام دولت ایران داخل نمایند که برای حفظ انتظامات ایالات و ولایات شمالی ژاندارمری تشکیل دهد.

مسیو نراتف اصرار داشت بر اینکه مکتوب دولت روس به همان عبارتی باشد که نوشته شده است و اشاره نمود که هرگاه منافع روسها تهدید شود دولت امپراطوری مجبور به مداخله خواهند بود.

همین که تلگراف شما به سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران که مورخه ۷ اوت بود بمن رسید مسیو نراتوف را اطلاع دادم که به سر جارج بارکلی تعلیمات داده شده است که دولت ایران را متنبه نماید در استخدام ماژور استوکس نباید اصرار نمایند مگر به شرط آنکه او در نقاط شمالی ایران بکار و ندارند و هرگاه به این قسم اصرار و ابرام نمایند دولت اعلیحضرتی حق دولت روس را خواهند شناخت که هرگونه اقداماتی را که برای حفظ منافع خود لازم بدانند بعمل آرند و بعلاوه مذکور داشتم که نظر به فشاری که سال گذشته به دولت ایران وارد آوردیم که قوه‌ای در تحت صاحبمنصبان انگلیسی برای حفظ راههای تجارتي جنوب تشکیل دهند ما نمی‌توانیم ضد تعیین ماژور استوکس برای ایالات و ولایات مذکوره باشیم ولی هرگاه دولت اعلیحضرتی تعیین وی را برای شمال ایران تقویت نموده و یا آنکه بر ضد هرگونه ایرادات روس در این مورد اعتراض نماید شما آن را مخالف روح معاهده انگلیس و روس خواهید دانست. در ضمن صحبتی که در میان آمد مسیو نراتوف اظهار داشت می‌ترسد دولت ایران به شرایط کنترات اولی که با ماژور استوکس نمودند متکی شوند.

چیزی که در این موقع بسیار مایل بود از دولت اعلیحضرتی بدست آرد يك قسم اظهار و عنوانی بود که معنای اسباب رضایت خاطر عقاید عامه روس گردیده و تأثیر نامساعدی که این قضیه در اذهان آنها تولید نموده بود برطرف گرداند.

پرفرض هم که دولت ایران قبول نمودند که خارج از نقاط جنوبی ماژور استوکس را بکار و ندارند هیچ وثیقه بدست نیست که ژاندارمری که او بایستی در آن نقاط تشکیل نماید آخر الامر بطرف شمال اعزام نشوند و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] استفسار نمود که آیا دولت اعلیحضرتی چنین اظهاری خواهند کرد که از اینکار مانع شوند؟ من در جواب گفتم که دولت اعلیحضرتی یحتمل اطمینان بدهند که ماژور استوکس را در شمال ایران بکار و نخواهند داشت ولی هیچ قسم تعهدی نمی‌توانند بکنند در باب ژاندارمری که او تشکیل خواهد داد.

مسیو نراتف اظهار داشت که این مسئله کافی نخواهد بود و چیزی که ایشان می‌خواهند این است که اطمینانی داده شود که ژاندارمری که يك قوه ثابت محلی است نباید از جنوب بشمال حرکت داده شود.

من اشعار نمودم که برای شما امکان نخواهد داشت در پارلمان طرفدار دادن این اطمینان باشید که دولت ایران را نگذارند در صورتی که موقع اقتضاء نماید قشونی که در جنوب بکار و امی‌دارند بطرف شمال نفرستند [= بفرستند] جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اذعان داشت که اینکار البته مشکل خواهد بود و بعد ارائه طریق نمود که در صورتی که فرماندهی ژاندارمری جنوب به ماژور استوکس سپرده شود شما باید اظهار نمایند حاضر بودن خود را در اینکه تقویت نمایند دولت روس را اگر آن

دولت تقاضا نماید که تشکیل قوه ژاندارمری در شمال ایران به يك نفر صاحبمنصب روس یا تبعه یکی از دول صغار که خود دولت روس او را معرفی نماید سپرده گردد. من اظهار داشتم این ارائه طریق را بیش از ارائه طریق سابق او می پسندم ولی نمی توانم از طرف دولت اعلیحضرتی چیزی در این باب بگویم.

مسیو نراتف بعد اظهار داشت که در صورتی که (چنانچه انتظار می رود) دولت ایران اصرار نمایند ماژور استوکس به فرماندهی ژاندارمری ملی برای تمام ایران منصوب شود امیدوار است شما وعده خواهید داد که هرگاه دولت روس تقاضا نمایند يك شغل شبیه به آن به يك نفر صاحبمنصب روسی داده شود با تقاضای دولت مشارالیه تقویت خواهید نمود. من از ایشان استفسار نمودم آیا شغل مخصوصی در مد نظر دارید که به صاحبمنصب روسی واگذار شود؟ در جواب گفتند که تعیین يك صاحبمنصب روسی به مقام ریاست ارکان حرب شاید این مقصود را حاصل نماید. من اشاره نمودم گمان می کنم خیلی کم احتمال دارد دولت ایران با این اوضاع به این تقاضا تن در دهند. مسیو نراتف بنا بر این توضیح نمود که دولت روس در این موقع قصد چنین استدعایی را از دولت ایران ندارند و او فعلا آنقدری که در باب دولت اعلیحضرتی در فکر است از بابت دولت ایران خیالی ندارد. آنچه او می خواهد این است که شما یا به واسطه اظهاری در پارلمان یا اعلان رسمی در مطبوعات بنمایانید که دولت اعلیحضرتی حاضر هستند هرگونه تقاضایی را که دولت روس آخر الامر پیش نمایند که هم جبرانی شده باشد و هم معنا اسباب رضایت عقاید عامه روس گردد تقویت خواهند نمود.

امضاء جارج بیوکاتان

ملفوفی يك نمره ۲۷۹

مراسله ای که پیشنهاد شده است از طرف سفیر روس برای دولت ایران فرستاده شود:

در خصوص اظهاری که در ۱۵ ژوئیت (۲۸) همین سنه به وزیر امور خارجه نمودم بر حسب امر دولت متبوعه خود افتخار دارم دولت ایران را مستحضر دارم که دولت امپراطوری روس به جهاتی که در همان وقت برای دولت ایران توضیح گردید تصور می نمایند که استخدام ماژور استوکس از طرف دولت ایران برای ایجاد يك قوه مسلح موسوم به ژاندارمری برای وصول مالیاتهای دولتی و سایر اقدامات در شمال ایران با منافع دولت مشارالیه ناموافق بوده و من تعلیم دارم بر ضد تعیین تبعه انگلیسی مذکور به مقام ریاست کل این قوه پروتست نمایم. هرگاه با وجود این اخطار تعیین وی به انجام رسید دولت امپراطوری آنرا يك قسم رفتار مخالف دوستی از طرف دولت ایران دانسته و حق این را که در موقع لزوم برای تأمین منافع خود در شمال ایران

(۱) پرافتر از ویراستار است - م.

(۱) منظور ۲۸ ژوئیه بحساب تقویم روسی است - م.

اقداماتی را که لازم می‌دانند بنمایند برای خود محفوظ خواهند داشت.

ملفوف دوم نمره ۲۷۹

افتخار دارم دولت ایران را بر حسب امر دولت متبوعه خود مستحضر دارم که دولت اعلیحضرتی مراسله‌ای که سفیر دولت روس به دولت ایران نوشته و سواد آن در جوف است ملاحظه نموده و با مندرجات مراسله مذکور از هر حیث موافقت دارند. دولت اعلیحضرتی درحالی که تأسف دارند از اینکه قبل از آنکه با دولت اعلیحضرتی مشورت شود به ماژور استوکس پیشنهاد شده که داخل استخدام دولت ایران شود اظهار می‌دارند که حق دولت روس را خواهند شناخت در اینکه اقداماتی را که برای تأمین منافع خود در شمال ایران لازم می‌دانند بعمل آرند.

نمره - ۲۸۰

مکتوب سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ اوت)

سنت پترزبورگ ۱۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که روزنامه نوورمیا و سایر روزنامجات با حرارت زیاد و بالسان طعنه‌آمیز در باب موقعی که بواسطه پیشنهاد تعیین ماژور استوکس از طرف دولت ایران برای تشکیل ژاندارمری خزانه پیش آمده مذاکرات می‌نمایند. روزنامه نوورمیا شکایت دارد از اینکه معاهده انگلیس و روس مثر ثمرات بسیار بشکل اظهارات و اطمینانات گردیده ولی در مواقعی که اقدامات جدی لازم است بعمل آید متأسفانه فایده‌ای از آن حاصل نمی‌گردد.

اگر دولت انگلیس نمی‌تواند يك نفر از اتباع خود را مانع آید که در مقام تحقیر دولت خود برآمده و به میل خود هر کاری بخواهد بکند که مخالف با میل و اراده بین آن دولت باشد پس معاهده ۱۹۰۷ چه قدر و قیمتی خواهد داشت و اگر این مسئله راست باشد که دولت انگلیس اظهار نموده است حاضر است پروتست روس را به دولت ایران تقویت نماید پس اهمیت مقام و نفوذ دولت انگلیس کجا رفته است؟ آیا حقیقتاً لازم است که دولت انگلیس در کشمکش که با يك نفر از اتباع نافرمان‌بردار خود دارد از حکم‌فرمایان يك دولت بی‌قدرت آسیائی استمداد نماید؟ هرگاه این طور است پس بایستی بعد از این هر زمان که ما با دولت انگلیس عقد معاهده می‌نماییم باید در ذهن خود داشته باشیم که رضایت و موافقت عده فلان ملک‌ها و دوله‌ها و سلطنه‌ها را تحصیل نماییم.

روزنامه نوورمیا در تاریخ نهم اوت تلگراف روتر را بطور سخت انتقاد می‌کند که از طهران مخابره شده و مشعر است بر اینکه در حالتی که صاحب‌منصبان روسی و آلمانی و ایتالیایی در استخدام دولت ایران هستند حتی یکنفر صاحب‌منصب انگلیسی هم در استخدام دولت مشارالیه نیست و تعیین ماژور استوکس اعاده موازنه‌ای را می‌کند که

برای دولت انگلیس صرفه دارد. او این تلگراف را توهین نسبت به سر آرتر نیکلسن که در ماه اوت ۱۹۰۷ معاهده انگلیس و روس را امضاء نمود می‌داند که به موجب ماده سوم آن تمام امتیازات موجوده بایستی برقرار بوده و دولت روس متعهد می‌گردد که در منطقه نفوذ انگلیس مداخله ننمایند و دولت انگلیس هم در خصوص منطقه نفوذ روس همین‌طور تعهد می‌نماید. این معاهده در ۱۹۰۷ در منطقه نفوذ انگلیس و روس امضاء شد. مقاله مزبور به این‌طور ختم می‌شود: مذاکره در باب صاحب‌منصبان روسی و آلمانی و ایتالیائی خارج از موضوع است. این صاحب‌منصبان قبل از عقد معاهده به مقام خود منصوب بوده‌اند و هنوز هم نصب آنها به این مقامات به تقویت همان معاهده است و مخالف آن نمی‌باشد. ماژور استوکس قبول تعیین یک عهده پلتيکی نموده است که مستقیماً بدون گفتگو متباین با شرایطی است که در ماده سوم معاهده مقرر گردیده است.

چنان بنظر ما می‌رسد که سر آرتر نیکلسن راست که مراکز دیپلوماسی انگلیس مقیم طهران را به مفاد ماده سوم معاهده مذکوره متذکر سازد یعنی همان معاهده‌ای که او در مقام سفارت کبرای دولت انگلیس در سنت پترزبورغ به معیت مسیو ایسولسکی به امضاء رسانید.

این معاهده در ۱۹۰۷ در منطقه نفوذ انگلیس و روس امضاء شد. مقاله مزبور به این‌طور ختم می‌شود: مذاکره در باب صاحب‌منصبان روسی و آلمانی و ایتالیائی خارج از موضوع است. این صاحب‌منصبان قبل از عقد معاهده به مقام خود منصوب بوده‌اند و هنوز هم نصب آنها به این مقامات به تقویت همان معاهده است و مخالف آن نمی‌باشد. ماژور استوکس قبول تعیین یک عهده پلتيکی نموده است که مستقیماً بدون گفتگو متباین با شرایطی است که در ماده سوم معاهده مقرر گردیده است.

نمره - ۲۸۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان [۲۲ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۹ شعبان ۱۳۲۹] وزارت خارجه ۱۴ اوت ۱۹۱۱ کفیل وزارت امور خارجه را از جوابیه دولت ایران که سر جارج بارکلی در تلگراف ۱۲ اوت خود راپورت داده بود مستحضر داشته اظهار نماید تا پیش‌آمد جدیدی بعرضه ظهور نرسد استعفای ماژور استوکس را قبول نخواهیم نمود ولی هرگاه اوضاع شکل دیگر پیدا نماید گمان می‌کنم آنچه بتوانم بکنم این است که اخطار و انتباهی که در تاریخ ۷ اوت به سر جارج بارکلی تعلیم دادم بنماید تکرار کنم.

نمره - ۲۸۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ اوت) طهران ۱۵ اوت ۱۹۱۱ [۲۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹] صاحب‌منصبان سوئدی برای ژاندارمری وارد شده‌اند.